

آذربایجان

ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۹۲ تیر ۱۳۹۱

در هرم حاکمیت چه می گذرد؟

وضع کشور اضطراری است. بحران دیرپا و همه جانبه ای که سالها به «برکت» سیاستهای ضد مردمی و ضد ملی رژیم ولایت فقیه، روزگار مردم را تباه کرده است، این روزها اوج کم سابقه ای پیدا کرده است. همه جا صحبت از ورشکستگی صنعت، فلاکت کشاورزی، گرانی فزاینده، تورم شتابنده، بیکاری گسترده، سیاستهای مالی - پولی و ارزی نا سنجیده، بودجه بدون پشتوانه و بانک های مفلس و غارت شده است. ارکان مختلف رژیم در برگزاری اجلاس فوق العاده با هم به مسابقه پرداخته اند. وزرای اقتصادی کابینه، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان هر کدام به بررسی راه برون رفت از بن بست موجود مشغول هستند. ستادهای مقابله با تحریم نفت و بانک مرکزی تشکیل داده اند و حالا پس از سالها مردم فریبی، مفسده و سرکوب به سنجش افکار عمومی روی آورده اند. با این همه هیاهو، شاید می خواهند چنین وانمود کنند که اوضاع را این بار جدی گرفته اند. بویژه که طلایه داران جنبش کارگری در قالب اعتصابات فزاینده بیش از پیش اعلام حضور کرده اند. اما راه حل دست اندر کاران رژیم هم چنان از جنس مغالطه و القاء شبهه است. و در چاره اندیشی هایشان نه خبری از بررسی علل و عوامل اصلی پیدایش و گسترش چنین وضعی است و نه نشانی از ارزیابی واقع بینانه راه طی شده.

پیش از اینها خامنه ای با یاری سپاه و بسیج، انتخابات مجلس نهم را به «نحو احسن» بر گزار کرد. حتی جمعی از رقبای اصول گرای خود را سر جای شان نشاند تا بار دیگر به مدعیان بفهماند که کماکان سکاندار اصلی کشتی نظام اوست. کارگزارانش هم با چنین حال و هوایی راهی مذاکرات هسته ای شدند.

ادامه در ص ۲

پیشه وری شخصیتی بزرگ



۶۵ سال قبل شخصیتی چشم جهان فروبست نام آن در

تاریخ مبارزات انقلابی مردم ایران، بویژه تاریخ آذربایجان با خط زرین

نوشته شده است. رهبران انقلابی همه جا و از آن جمله در ایران از دل مبارزات مردم بیرون می آیند. این رهبران در بسیاری موارد از میان توده های مردم زحمتکش بر میخیزند. ستارخان و باقرخان اشخاصی شناخته شده نبودند. اما مبارزه انقلابی در آذربایجان این دو تن را به شخصیت های جهانی مبدل نمود. نام آنها در تاریخ مبارزات آزادیبخش مردم ایران برای همیشه زنده ماند.

پیشه وری نیز یک روستازاده ای بیش نبود. او در سالهای کودکی با خانواده خود از ایران خان سالاری به قفقاز مهاجرت نمود. با استعداد ذاتی که داشت در کوران مبارزات ضد استبدادی و آزادیخواهی به یک روزنامه نگار برجسته و شخصیت بزرگ سیاسی تبدیل گردید. و برای آزادی و پیشرفت و ترقی در صفوف مبارزین غیورکشور قرار گرفت. به همین مقصود در سالهای حکمرانی دیکتاتوری رضاخان به ایران بازگشت و در تشکیل سازمانهای سیاسی مترقی پیشقدم شد. در همین سالها مقالات تحلیلی ارزشمندی در روزنامه حقیقت ارگان اتحادیه کارگران ایران به چاپ رساند و در سازماندهی اعتصابات کارگری خوزستان نقش تعیین کننده ایفا نمود.

ادامه در ص ۲

سیاست خارجی ویرانگر جمهوری اسلامی

انقلاب ۱۳۵۷ نه تنها در منطقه بلکه در سراسر جهان سر و صدائی راه انداخت. در این انقلاب اولین بار بود که همه اقشار و طبقات جامعه علیه دستگاه ستمگر پهلویها به پا خاستند. هدف از این قیام دست یابی به آزادیهای دموکراتیک و تغییر ریشه ای در ساختار اجتماعی بود. بلافاصله پس از پیروزی انقلاب دهقانان برای تقسیم اراضی مالکان بزرگ اقدام نمودند. و ملی کردن کارخانجات صنعتی و بانکی را خواستار گردیدند. اما حاکمان دینی که در رأس انقلاب قرار گرفته بودند به تدریج از تقسیم اراضی جلوگیری نمودند. کارخانه های ملی شده را در بنیادهای به اصطلاح مستضعفین متمرکز نمودند. بدین ترتیب اهداف انقلاب زیر پا گذاشته شد. هیچ تغییری در زیر بنای جامعه انجام نگرفت. زمین در دست بزرگ مالکان و کارخانه ها در دست کارخانه داران باقی ماند.

همانطور که میدانیم سیاست خارجی هر کشور، ادامه سیاست داخلی آن است. بدین ترتیب روابط ایران با کشورهای خارجی بخصوص با آمریکا تیره تر گردید.

ادامه در ص ۹

در این شماره

۳ ص	امتناع از خرید نفت مرحله جدیدی از تحریم ها
۴ ص	از میان رویدادهای کارگری
۸ ص	انتخابات یونان
۱۰ ص	جنگ خامانوسوز در سوریه
۱۱ ص	تحولات سیاسی خاورمیانه و تاثیرات ناشی از آن
۱۲ ص	باز هم دریاچه ارومیه
۱۲ ص	قطعنامه پارلمان اروپا در رابطه.....
۱۳ ص	آگاهی ملی عمیق تر میشود
۱۳ ص	تخریب محیط زیست و ...
۱۵ ص	بیکاری و فقر، عامل گرایش
۱۶ ص	احزاب شناسنامه دار
۱۷ ص	کارگران از تامین نان شب و سیر.....
۱۷ ص	نظری بر وضعیت انرژی...
۲۰ ص	تاریخ امید شعر

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

در هرم حاکمیت....

اینکه آنها بتوانند از این طریق به خواست خود برسند، اگر و امای زیادی بر می دارد. زیرا نا دیده گرفتن و سرکوب جنبش رو به تعمیق مردم، بی پاسخ گذاشتن خواسته های آنان، دوری جستن از ساز و کارهای دمکراتیک حل و فصل مشکلات اقتصادی - اجتماعی بی تردید شورش و عصیان را بدنبال خواهد داشت و شاید این همان فرصت طلایی باشد که امپریالیسم جهانی برای ایجاد تغییرات ژئواستراتژیک مورد نظرش در خاورمیانه بزرگ، انتظارش را می کشد. تجربه عراق و افغانستان و لیبی نیز نشان می دهد که دشمنان مردم ایران برای تحمیل دمکراسی و حاکمیت مورد نظرشان از جنگ داخلی و تجزیه کشورشان ابایی ندارند.

پیشه وری شخصیتی بزرگ

به همین دلیل سرپاس مختاری رئیس شهربانی دوران رضا شاه او را دستگیر و بدون محاکمه ده سال در زندان قصر و در تبعیدگاه نگه داشت. سید جعفر پیشه وری اولین شخصیت سیاسی بود که بعد از سقوط دیکتاتوری رضاخان روزنامه نگاری را پیشه ساخت. و با نوشتن مقالات و خاطرات سالهای مهاجرت، تاریخ مبارزات انقلابی خلقهای این بخش از جهان را به جوانان کشور آموخت. پیشه وری با استفاده از شرایط مساعدی که پس از جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم در کشور پیش آمده بود به تبریز برگشت و با همکاران و همزمان قدیمی خود به گفتگو نشست. او به درستی تشخیص داده بود که با سست شدن پایه های استبداد زمان تحولات انقلابی در آذربایجان فراهم شده است و تنها راه رسیدن به این مقصود، تشکیل یک سازمان فراگیر ملی با بیان مشخص از خواسته های مردم است. وی معتقد بود که این تشکیلات نباید بیانگر منافع طبقاتی یک طبقه خاص باشد. اما طبیعی بود که با منافع خان ها و سرمایه داران و عواملی که در خدمت حاکمان زورگو قرار داشتند نیز سر آشتی نداشت. فرقه دمکرات آذربایجان تحت رهبری پیشه وری با چنین وظایف خطیری تاسیس گردید. و در کوتاه ترین مدت سراسر آذربایجان را زیر پوشش تشکیلاتی قرار داد و با استقبال اکثریت مطلق مردم روبرو شد. بدین ترتیب شرایط برای در دست گرفتن حکومت ملی آماده شد. بدین ترتیب حکومت ملی آذربایجان شکل گرفت. آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری یک بار دیگر پرچم آزادیخواهی را بر افراشت و به پایگاه نیرومندی علیه استبداد تبدیل شد. تاثیر مبارزات خلق آذربایجان بر دیگر خلقهای ساکن ایران برای رهایی از استبداد چیزی نبود که از چشم حاکمان مرتجع تهران و حامیان امپریالیستی آن آمریکا و انگلیس پوشیده باشد. دسیسه ها و توطئه ها برای سرنگونی این حکومت از همان روزهای آغازین شروع شد.

قرن بیستم، قرن انقلابها در سراسر جهان بود. انقلابهایی که در برابر سرمایه مالی صف آرایی کرده بودند. جنگ اول جهانی ماهیت درندگی نظام های سرمایه داری را آشکار نمود. در کشورهای سرمایه داری کارگران و زحمتکشان علیه این نظام ها به پا خاستند. و در بخشی از جهان حکومت های مردمی سرکار آمدند. جنگ دوم جهانی

ماموران حاکمیت در گفتگوهای استانیول آمادگی رژیم را برای بده بستن ابراز کردند. اما در بغداد طرف 5+1 آب پاکی را روی دست آنان ریخت. غربی ها اعلام کردند که به کمتر از تسلیم بدون قید و شرط راضی نیستند. گویا تعمیق بحران جهانی سرمایه داران و دامنه نا بسامانیهای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کشور چنان است که وعده تغییر رفتار و مصالحه رژیم، برای نقشه های منطقه ای امپریالیسم، چندان کار ساز نیست. و تا کنون همه تلاشهای واسطه ها و امربرهای رهبری، برای توضیح محدودیت ها و تنگناهای رژیم کار نیافتاد. اجرای تحریم هایی که در عرف بین المللی سابقه نداشته است، تهدیدهای جنگ طلبانه، تشدید فعالیت ها در خارج از کشور برای سرهم بندی کردن باصطلاح آلترناتیو جمهوری اسلامی و تحریک اقدامات تجزیه طلبانه، همگی از همین چارچوب قابل فهم است.

به موازات سخن پراکنی ها در باب چگونگی مقابله با مشکلاتی که گردانندگان حکومت آنرا جنگ اقتصادی نامیده اند، در اتاق های فکر رژیم نیز فعل و انفعالاتی در جریان است. گروههایی مشغول مهندسی شرایطی هستند که تغییرات سیاسی احتمالی از حدود منافع اصول گرایان اعم از نو و سنتی و یا معتدل و افراطی، فراتر نرود. افشاگری بی وقفه باندها علیه یکدیگر، تاکید بر استقلال مجلس، ضرورت تشکیل احزاب فراگیر، مبارزه با فساد، تقدس زدایی و اعترافات علنی فرمانده نیروی انتظامی مبنی بر مخالفت اکثریت مردم با طرح باصطلاح امنیت اخلاقی، همه در راستای تحقق نقشه های پیش گفته صورت می گیرد. جالب توجه اینکه همه چیز به رهبر بر می گردد. از شواهد و قرائن چنین بر می آید که خامنه ای و بیت مربوط، نقش او در حوادث جاری و جایش در تحولات بعدی، در مرکز توجه قرار دارد.

اینکه صدا و سیما جمهوری اسلامی به فکر نظر سنجی می افتد و طی آن لویت غنی سازی اتمی را به سؤال می گذارد، مگر نمی داند که رهبر رژیم بارها از آن بعنوان خط قرمز نظام نام برده است. صدا و سیما تقابل میان مردم و ولی فقیه را صراحت بخشیده است. احمد توکلی ضمن اظهاراتی گفته است که مانع اصلی بر خورد با مفسدان که از قضا در تمام ارکانهای نظام جا خوش کرده اند، خامنه ای است. ناکارایی سیاست خارجی و ناکامی گفتگوهای هسته ای در طول سالها همه به حساب خودرایی شخص خامنه ای گذاشته شده است. حالا دیگر حتی تعریف و تمجید از رهبر هم بیشتر به تعریض می ماند. وقتی مهدوی کنی وظیفه مجلس خبرگان را حراست از رهبر اعلام می کند و یا مصباح یزدی که برخی از هوادارانش او را قائم مقام رهبری می دانند خامنه ای را با ائمه اطهار در یک ردیف می گذارد. گویا قصدشان از بیان این حرف ها، طرح مخالفتی است که علیه رفتار خودکامه خامنه ای و ناتوانی اش در انجام وظایف رهبری، عنوان می شود. هر چند ممکن است بعضی ها با توجه به خرابی اوضاع، خواسته باشند از این طریق، سرنوشت خود را از جریان حاکم جدا کنند، اما بنظر می رسد مقصود اصلی، سعی در مدیریت آشفته گی موجود در محدوده منافع باندهای حاکم و ماندن قدرت در دست آنان است.

پیشه وری....

پایگاه سرمایه جهانی را به لرزه در آورد. حکومت ارتجاعی ایران یکی از حلقه های ضعیف این زنجیره را تشکیل میداد. پیشه وری این را به درستی درک کرد و علیه آن دست به اقدام عملی زد. با تشکیل حکومت خود مختار آذربایجان به رهبری پیشه وری تحولات عمیق اجتماعی بوجود آمد. در تاریخ صد ساله ایران برای اولین بار دهقانان بی زمین صاحب زمین شدند. زنان حق انتخاب شدن و انتخاب کردن را بدست آوردند. بعبارت دیگر زنان از حقوق برابری با مردان برخوردار شدند. زبان آذری به عنوان زبان رسمی آذربایجان شناخته شد. همه موسسات تحصیلی کار خود را با زبان مادری آغاز کردند. فرهنگ و موسیقی ملی احیاء گردید. بعبارت دقیقتر انقلاب ملی در عمل به انقلاب اجتماعی تبدیل گردید. در این انقلاب هم حقوق ملی و هم حقوق اجتماعی تامین شد. پیشه وری در این انقلاب اجتماعی نقش تعیین کننده داشت.

شرایط نامساعد آن زمان و رویارویی دو قطب متضاد جهانی شرایط را برای ادامه حکومت ملی آذربایجان غیر ممکن ساخت. پیشه وری و عده ای از همزمانش به اجبار دست از مقاومت کشیدند و به مهاجرت اجباری تن در دادند. عمر کوتاه پیشه وری در مهاجرت به سازماندهی فداییان و آموزش نظامی آنان برای برگشت و ادامه مبارزه گذشت. او در راه برگشت از یکی از پایگاههای آموزشی فداییان در نتیجه تصادف جان خود را از دست داد. مرگ پیشه وری ضربه سنگینی بود بر تداوم مبارزه آن زمان مردم آذربایجان. اما نام پیشه وری به عنوان سنبل الهام بخش در مبارزه رهایی بخش و ملی کشور جاودانه شد. و در ردیف انقلابیون نامدار جهان قرار گرفت.

گزارشگر روزنامه نیویورک تایمز از شهر تبریز دیدن کرده و با یک فروشنده کفش های ورزشی دیدار نموده است. فروشنده با ناراحتی به او گفته است: فروش در یک سال گذشته به یک سوم کاهش یافته است. او با تنفر افزوده است که دست بسیاری از ایرانیان چنان تنگ است که با کفشهای تقلبی چینی به مهمانی میروند.

در این گزارش آمده است. به این دلیل که رئیس جمهور (محمود احمدی نژاد) تمام یارانه ها، از نان گرفته تا بنزین را حذف کرده است. در ماندگی مالی دو چندان شده است. این شاید سیاست اقتصادی مثبت باشد ولی بسیار منفور است. بنظر این گزارشگر نارضایتی در کل سیستم سیاسی ایران در حال افزایش است. ایرانیان برای افزایش قیمت ها از رهبران شان عصبانی هستند... آنها میگویند ما دیگر نمیتوانیم مثل گذشته کار کنیم و کیفیت زندگی مدام سیر نزولی طی می کند.

در حالیکه ایران کشوری است ثروتمند و با اجرای سیاست درست میتوان رفاه مردم را بالا برد. کارخانه ها را توسعه داد. نرخ بیکاری را پائین آورد. اجرای چنین سیاستی در زمانی ممکن است که ایران سیاست معقول و مناسبی در عرصه جهانی اتخاذ کند و سیاست انزوا طلبی را کنار بگذارد. در داخل کشور نیز آزادیهای دمکراتیک را رعایت نماید. و مانند بسیاری از کشورها یک سیاست خارجی ملی را پیش بگیرد.

امتناع از خرید نفت مرحله جدیدی از**تحریم ها**

رویاری ایران و غرب مراحل متعددی را پشت سر می گذارد و مراحل عمیق تری را در پی می آورد. امپریالیسم جهانی صرف نظر از شرایط موجود در هر مرحله روی سیاست استعماری خود پا می فشارد. و اشکال گوناگونی را برای دست یابی به هدف خود پیش میگیرد. عراق بیست سال قبل مورد حمله قرار گرفت. در این عملیات نظامی کشورهای عربی نیز شرکت نمودند. عراق شکست خورد و نیم جان شد. مرحله دیگری برای فشار علیه عراق آغاز گردید. این کشور بیش از ده سال در محاصره نظامی و اقتصادی باقی ماند. صادرات و واردات این کشور از جمله صادرات نفت متوقف گردید. مردم این کشور با فاجعه قطعی، گرسنگی و بیماری روبرو گردیدند. سازمانهای انسان پرور برای نجات کودکان بیمار با اجازه آمریکا و هم پیمانان او به عراق دارو می فرستادند. عراق رشد یافته در عرض ده سال به کشور ورشکسته تبدیل گردید. اما استعمارگران مجازات سنگین تری را در پیش گرفتند. عراق را از هوا و زمین مورد حمله قرار دادند و این کشور را به ویرانی مبدل ساختند. افغانستان نیز مانند عراق مورد حمله هواپیماهای نظامی ناتو قرار گرفت. دولت طالبان سقوط کرد اما از پای در نیامد. بیش از ده سال است در مقابل تجاوزگران ایستادگی میکند این جنگ در افغانستان پایان ندارد. بنابراین ناتو تصمیم گرفته

سیاست خارجی ویرانگر جمهوری اسلامی

بدین طریق ایران بیک کشور منزوی تبدیل گردید. حلقه این انزوا بعد از غنی کردن اورانیوم تنگتر شد. ایران از جانب کشورهای غربی مورد تحریم اقتصادی و مالی قرار گرفت. هر روز که میگذرد این تحریم ها تاثیر منفی خود را بیشتر نشان میدهد. بنابه گزارش گزارشگر "نیورک تایمز" که اخیراً از ایران دیدار و با مردم گفتگو کرده است. در نتیجه تحریمها کارخانه ها در حال تعطیل و کارگران در حال از دست دادن کار خود هستند. تجارت متزلزل شده قیمت ها افزایش میابد. این وضع برای طبقه متوسط ویرانگر است. بعبارت دیگر در نتیجه تحریم ها فشار اقتصادی شدت میابد و نارضایتی مردم بیشتر می شود. در این گزارش بطور مشخص گزارشگر می نویسد: یک کارخانه دار که تابلو برق تولید میکند به من گفت ناچار شده است دوازده تن از پانزده نفر کارگر خود را اخراج کند. یک کارخانه دار دیگر که تولید کننده نخ و پارچه است میگوید که تحریم ها مشکلات موجود را تشدید کرده است. افزایش قیمت ها، تولید را تقریباً غیر ممکن کرده است و در نتیجه این تحریم ها همه چیز سخت تر و وقتگیرتر و گرانتر شده است. کارخانه دار دیگری نیز شکایت دارد که یک سال و نیم پیش یک مبدل برق در کارخانه اش منفجر شد. بدین سبب یکی از خطوط تولیدش را تعطیل کرد و در نتیجه او روزی پانصد دلار ضرر میدهد.

با ادامه تحریم های اقتصادی ایران کارائی تولیدات خود را از دست میدهد. کارخانه ها و کارگاه ها از کار می افتند. بدین سبب وضع زندگی هفتاد و پنج میلیون نفری ایران بدتر میشود. در چنین شرایط سخت حکومت ایران روی سیاست خارجی کنونی خود اصرار می ورزد. در مقابل فشارهای اقتصادی و سیاسی مقاومت میکنند. افزایش فشارها و مقاومت در برابر آن ایران را به کجا خواهد برد. آیا در پی این سخت گیریها جنگ جدیدی خاورمیانه را فرا خواهد گرفت و یا جنگ سرد همچنین ادامه خواهد یافت؟ در هر دو صورت مهاجم میتواند برنده باشد. اما روی خرابه های ابو از، مداین.

اینک لیست تجاوزات آمریکا و ناتو علیه کشورهای که در مقابل سلطه گرای آمریکا مقاومت میکردند:

- ۱- ۱۹۴۵، ۶ و ۹ اوت حمله هواپیماهای آمریکا به شهرهای هیروسیمیا و ناقاساکی. در نتیجه این حمله این دو شهر با خاک یکسان شد.
 - ۲- ۱۹۵۰-۱۹۵۳ حمله به شبه جزیره کره و ویران کردن این مملکت.
 - ۳- ۱۹۶۱، آوریل حمله «نا موفق» آمریکا به کوبا.
 - ۴- ۱۹۶۵-۱۹۷۳ جنگ تجاوزکارانه علیه ویتنام.
 - ۵- ۱۹۸۳، اکتبر اشغال گری نادا از طرف نظامیان آمریکا.
 - ۶- ۱۹۸۶، آوریل بمب باران شهر تریپولی و بنگازی در لیبی.
 - ۷- ۱۹۹۱، ۱۷ ژانویه - ۲۸ فوریه، طوفان در سحرا نخستین عملیات نظامی علیه عراق.
 - ۸- ۱۹۹۹، ۲۴ مارس - ۱۰ ژوئن تجاوز ناتو علیه یوگسلاوی.
 - ۹- ۲۰۰۱، ۷ اکتبر آغاز تجاوز آمریکا و ناتو علیه افغانستان و اشغال این کشور.
 - ۱۰- ۲۰۰۳، ۲۰ مارس آغاز حمله دوم به عراق و اشغال این کشور.
 - ۱۱- ۲۰۱۱، ۱۹ مارس آغاز تجاوز علیه لیبی: کدام کشور دیگری مورد تهاجم قرار خواهد گرفت؟
- مأخذ: روزنامه سووروس چاپ مسکو شماره ۶۵، ۲۱ ژوئن ۲۰۱۲

است که در ۲۰۱۴ از افغانستان خارج شود و یا به عبارت دقیقتر از افغانستان پا به فرار به گذارد. لیبی سومین کشوری بود که مانند عراق به ویرانی تبدیل گردید. رهبر لیبی دشمن سرسخت آمریکا نابود گردید. اکنون نابودی سوریه به هدف عمده امپریالیسم جهانی تبدیل شده است. برای از میان برداشتن فشار اسد جنگ خونریزی با حمایت غرب در جریان است. انقلاب در کشورهای عربی مخالفین سرسخت آمریکا را از اریکه قدرت پائین کشید. با از حکومت رفتن رئیس جمهوری سوریه سراسر کشورهای عربی به دولت های «معتدل» تبدیل خواهند شد که احتمال زیاد دارد این کشورها به جولانگاه غرب تبدیل گردد.

ایران بعد از انقلاب به سرسخت ترین دشمن آمریکا مبدل گردیده است. این دشمنی بیش از سی سال است ادامه دارد. آمریکا و هم پیمانان او تاکنون نخواستند و یا نتوانستند ایران را مانند عراق و افغانستان و لیبی مورد حمله نظامی قرار دهند. برای از پا در آوردن ایران از شیوه که در عراق بکار میبستند استفاده میکنند. حلقه تحریم های اقتصادی و مالی تنگتر میگردد. ایران گرچه در برابر این تحریم ها مانند عراق از پا در نیامده است اما در نتیجه این تحریم ها است که قیمت کالاها بالا میرود و حد اقل دست مزد (۳۸۹ هزار) تومان مخارج چند روز یک خانواده را تامین مینماید. سفره کارگران تهی میگردد. افزایش گرانی و تورم، اخراج بی رویه کارگران و تعطیلی پی در پی بنگاه ها و کارخانه های کوچک و بزرگ اثرات جبران ناپذیر و فشار روحی و روانی برای کارگران و خانواده هایشان پدید آورده است. کالاهای ضروری از بیست تا پنجاه درصد افزایش دارد. نان یکی از اساسی ترین کالا است که با گران شدن آن همه اقشار پائین و متوسط فشار آنرا حس میکنند. در چنین وضعی است که کشورهای غرب از اول ژوئیه خرید نفت از ایران را متوقف نمودند. ایران هفتاد و پنج میلیارد دلار در آمد نفتی دارد. بیست درصد نفت به کشورهای غرب صادر میشود و با امتناع از خرید نفت در آمد ارز ایران بیش از انتظار کمتر خواهد شد. کشورهای غیر اروپای وارد کننده نفت ایران نیز با تهدید آمریکا روبرو شده اند. این کشورها در صورت خرید نفت ایران با تحریم های اقتصادی مواجه خواهند شد. اکنون چین که بیست درصد نفت را از ایران وارد میکند. تصمیم گرفته است که مقدار آنرا کمتر کند. کره جنوبی از واردات نفت ایران امتناع ورزیده است. بدین ترتیب ایران نه تنها هدف عمده تحریم ها بلکه هدف عمده نظامی نیز قرار گرفته است.

از میان رویدادهای کارگری

این روزها علیرغم سانسور شدیدی که نیروهای امنیتی کشور بکار می بندند تا اخبار کارگری به بیرون بازتاب نداشته باشد. اما اعتراضات کارگری در حدی است که از کنترل خارج شده است. و ناچاراً مطبوعات دولتی و نیمه دولتی به درج بخشی از این اعتراضات می پردازند. با نگاهی به همین خبر ها (در یک هفته گذشته)، کافی است تا عمق مشکلات جامعه کارگری را به تصویر کشید:

قرادادهای سفید امضاء یا دوران مجدد داری

دبیر اجرایی خانه کارگر تاکستان معتقد است افزایش قراردادهای سفید امضاء و کوتاه مدت در واحدهای تولیدی باعث گسترش بیکاری شده است.

اسدالله محمد خانلو با بیان اینکه قراردادهای کوتاه مدت یک الی دو ماهه و سفید امضاء امنیت شغلی کارگران را از بین برده است، به اینها گفت: طبق ماده ۶۷۳ قانون مجازات اسلامی انعقاد قراردادهای سفید امضاء از کارگران و سوء استفاده

از میان....

آنان جرم محسوب شده و این عمل کارفرمایان علاوه بر اینکه جرم است، بلحاظ انسانی خیانت به کارگران است. این فعال کارگری در ادامه با انتقاد نسبت به از دست رفتن اشتغال موجود و افزایش بیکاری اظهار داشت: به دلیل ترویج قراردادهای سفیدامضاء در مشاغل انسانی هیچ یک از موارد امنیتی اشتغال رعایت نمی‌شود و با سوء استفاده از آنان به نوعی دوران برده داری مجددا احیاء می‌شود. محمد خانلو با اشاره به افزایش بیکاری‌ها و به تبع آن گسترش جرائم و تخلفات اجتماعی، هشدار داد: بسیاری از کارگران بیکار و جویندگان کار تحصیلکرده به دلیل اینکه اشتغال مناسبی ندارند برای تامین معاش خانواده خود دست به کارهایی می‌زنند که در شان نیروی کار مولد نیست. بسیاری از کارفرمایان با گرفتن قرار داد سفید امضا از کارگران و یا گرفتن امضای پایان خدمت بدون تاریخ این امکان را به خود می‌دهند هر زمان که خواستند کارگران را اخراج کنند.

اخراج بیش از سه هزار کارگر قراردادی طی چهار ماهه نخست امسال

در سال جاری بیش از ۹۰ درصد از جامعه کارگری کشور با قراردادهای سه ماهه در واحدهای تولیدی فعالیت می‌کنند. رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور اعلام کرد: از ابتدای سال جاری تا کنون بیش از سه هزار کارگر قراردادی از واحدهای تولیدی اخراج شده‌اند. فتح الله بیات با پیش‌بینی افزایش تعداد اخراج کارگران تا پایان سال جاری، به این‌گونه گفت: در صورتی که دولت از واحدهای تولیدی کشور حمایتی نکند روند اخراج کارگران تا پایان سال جاری همچنان افزایش خواهد یافت. بیات در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه کارگران روز مزد بیمه نمی‌شوند، خاطرنشان ساخت: در حال حاضر تنها کارگران قراردادی از بیمه برخوردار هستند و بسیاری از شرکت‌ها از ارسال لیست بیمه کارگران روزمزد خودداری می‌کنند.

وی ادامه داد: در سال جاری بیش از ۹۰ درصد از جامعه کارگری کشور با قراردادهای سه ماهه در واحدهای تولیدی فعالیت می‌کنند.

رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور در ادامه با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد از اشتغال کشور ناپایدار است، یاد آور شد: نرخ اعلامی بیکاری مرکز آمار ایران منطبق با واقعیت‌های بازار ایران نیست.

سبد هزینه خانوار کارگری بیش از ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است

دستمزد کارگران فقط نیاز ۱۰ روز خانوار کارگری را تامین می‌کند، این در حالیست که کارگر مجبور است مشاغل دیگری را انجام دهد و یا اینکه با کمبود شدید منابع مالی مواجه شود. عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: نرخ سبد هزینه خانوار کارگری هم کانونی بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است.

علی دهقان کیا در گفتگو با این‌گونه اظهار داشت: دولت مدعی است توانسته قیمت‌ها را مهار کند اما چه ملاکی برای اثبات این ادعا وجود دارد؟ اما در سبد معیشتی خانوار کارگری اقلامی

وجود دارد که تغییرات ماههای گذشته آن تاثیرات منفی زیادی در قدرت خرید کارگران داشته است.

به گفته وی دستمزد کارگران فقط نیاز ۱۰ روز خانوار کارگری را تامین می‌کند، این در حالیست که کارگر مجبور است مشاغل دیگری را انجام دهد و یا اینکه با کمبود شدید منابع مالی مواجه شود.

دهقان کیا افزود: بحران در واحدهای تولیدی گریبان کارگران واحدهای صنعتی را گرفته و بسیاری از آن‌ها چند ماه است که حقوق و دستمزد دریافت نکرده‌اند. هم اکنون کارگران واحدهای نساجی، صنایع لبنی، قطعه سازی، مواد غذایی، صنایع فلزی و پیمانکاران صنایع برق ایران ماه هاست که برای دریافت مطالبات معوقه خود تلاش می‌کنند. دهقان کیا، ادامه داد: در حال حاضر ۷۰ درصد کارگران زیر خط فقر روزگار می‌گذرانند.

افزایش ۵۰ درصدی نرخ تورم مسکن در سبد هزینه خانوار کارگری

در صورتی که دولت از افزایش تورم افسار گسیخته جلوگیری نکند باید منتظر واکنش‌هایی از سوی کارگران و طبقه متوسط جامعه باشد.

یک کارشناس مسائل کارگری اعلام کرد: نرخ تورم مسکن در سبد هزینه خانوار کارگری بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است.

علیرضا حیدری افزایش افسار گسیخته نرخ تورم را طی چهار ماهه نخست سال جاری موجب افزایش ۶۰ درصدی هزینه اقلام مصرفی خانوارهای کارگری اعلام کرد و گفت: تمامی دستمزد کارگران باید صرف هزینه اجاره بهای مسکن در کلان شهرها شود.

عضو کمیته مزد خانه کارگر با بیان اینکه در چنین شرایطی کارگران قادر به تامین معیشت خود نیستند، ادامه داد: نرخ خط فقر نسبی خانوارهای کارگری امسال به یک میلیون تومان افزایش یافته است.

لازم به یادآوری است که خط گرسنگی در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۰ مبلغ دو میلیون و ۷۳۳ هزار و ۷۰۶ ریال به دست آمد که سرانه روزانه آن ۲۲ هزار و ۷۸۸ ریال خواهد شد که اگر آن را به قیمت دلار ۱۴ هزار ریال تبدیل کنیم ۱.۶۳ دلار و اگر آن را به دلار ۱۹ هزار ریال میانگین بازار آزاد حساب کنیم سرانه ۱.۲ دلار به دست می‌آید. و این در حالی است که این ارقام با استانداردهای جهانی که خط فقر را درآمد زیر دو دلار در روز تعریف می‌کند، همخوانی دارد.

حیدری در بخش دیگری از این گفتگو با اشاره به شرایط رکود اقتصاد کشور تصریح کرد: به دلیل وضعیت واحدهای بحرانی نرخ تورم در کشور به شکل بی‌رویه‌ای افزایش یافته است.

این فعال کارگری خواستار اعمال سیاست‌های حمایتی دولت از کارگران شد و گفت: در صورتی که دولت از افزایش تورم افسار گسیخته جلوگیری نکند باید منتظر واکنش‌هایی از سوی کارگران و طبقه متوسط جامعه باشد.

کاهش ۴۰ درصدی تولید در واحدهای بزرگ صنعتی

از میان....

پیش بینی می‌شود که با افزایش سیاستهای تحریم واحدهای بزرگ صنعتی تا پایان سال جاری ۶۰ درصد از نیروهای فعال خود را تعدیل کنند.

ایلنا: نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار از کاهش ۴۰ درصدی تولیدات در واحدهای بزرگ صنعتی از ابتدای سال جاری خبر داد.

عباس وطن پرور در این رابطه به خبرنگار ایلنا گفت: واحدهای بزرگ صنعتی کشور به رغم اینکه از حمایت‌های دولت برخوردارند اما پیش بینی می‌شود که با افزایش اعمال سیاستهای تحریم تا پایان سال جاری ۶۰ درصد از نیروهای فعال خود را تعدیل کنند.

این فعال کارفرمایی با انتقاد از افزایش بی‌سابقه نرخ تورم در کشور اذعان داشت: به دلیل افزایش بی‌رویه نرخ تورم غالب اقشار حقوق بگیر جامعه زیر خط فقر گذران معیشت می‌کنند. این در حالیست که مدیران پادشاهی‌های میلیاردی دریافت می‌کنند و کارگران در مقابل کارهای طاقت فرسا ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان دستمزد دریافت می‌کنند.

نماینده سابق کارفرمایان در سازمان جهانی کار با اشاره به افزایش تعداد واحدهای بحرانی در سال جاری یاد آور شد: واحدهای بزرگ تولیدی کشور به دلیل عدم تامین نقدینگی توان پرداخت حقوق کارگران را ندارند. و تعهدات آنها به کارگران روز به روز در حال افزایش است.

وطن پرور در ادامه نابرابری‌ها در توزیع امکانات را موجب افزایش خط فقر اعلام کرد و گفت: نرخ تورم در سبب ارزاق عمومی خانوار طی چند ماهه گذشته به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است.

امنیت شغلی ۱۶۰۰ کارگر لاستیک پارس تهدید می‌شود

عمده مشکلات این کارخانه علاوه بر تحریم‌ها و به تبع کمبود مواد اولیه، فشارهای سازمان محیط زیست است.

یک فعال کارگری در ساوه اعلام کرد: پرداخت جرایم سنگین زیست محیطی کارخانه لاستیک سازی پارس (پیروزی) را در آستانه تعطیلی قرار داده است.

مهدی زمانی با اشاره به اینکه فشارهای سازمان محیط زیست باعث افزایش مشکلات کارخانه لاستیک پارس شده است، به گفت: طی دو سال گذشته کارخانه لاستیک پارس از سوی سازمان محیط زیست مبلغ زیادی جریمه شده است و این در حالیست که پرداخت چنین جریمه سنگینی باعث تعطیلی کارخانه خواهد شد.

دبیر اجرایی خانه کارگر ساوه و زرنديه نسبت به تهدید امنیت شغلی ۱۶۰۰ کارگر این واحد تولیدی هشدار داد و افزود: عمده مشکلات این کارخانه علاوه بر تحریم‌ها و به تبع کمبود مواد اولیه، فشارهای سازمان محیط زیست است.

او گفت: طبق اظهارات مدیر عامل کارخانه لاستیک پارس، این واحد تولیدی در راستای رعایت اصول زیست محیطی و کاهش آلاینده‌های موجود در چرخه حیات صنعتی، فعالیت‌های عمده‌ای داشته است و هم اکنون با رفع همه مشکلات زیست محیطی به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

زمانی در خاتمه از مسئولان خواست با رفع مشکلات و تعدیل جرایم زیست محیطی کارخانه لاستیک پارس مانع تهدید امنیت شغلی کارگران در شرایط سخت و بحرانی تولید کشور شوند.

۴۰ درصد از واحدهای تولیدی مازندران با نیمی از ظرفیت فعال اند

هم اکنون ۱۵ درصد از واحدهای تولیدی استان با ظرفیت ۷۰ تا ۸۰ درصدی کار می‌کنند و این در حالیست که فقط ۵ درصد از این واحدها از جمله واحدهای لینی بطور ۱۰۰ درصدی اما با مشکلات خاص خود مشغول فعالیت‌اند.

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران اعلام کرد: در حال حاضر بیش از ۴۰ درصد از واحدهای تولیدی استان با ۵۰ درصد از ظرفیت فعالیت می‌کنند.

نصراالله دریابیکی در این زمینه به ایلنا گفت: با افزایش مشکلات واحدهای تولیدی در استان مازندران هم اکنون بیش از ۴۰ درصد از واحدهای تولیدی دچار مشکلات زیادی شده و با ظرفیت ۵۰ درصدی تولید فعالیت می‌کنند.

به گفته این فعال کارگری هم اکنون ۱۵ درصد از واحدهای تولیدی استان با ظرفیت ۷۰ تا ۸۰ درصدی کار می‌کنند و این در حالیست که فقط ۵ درصد از این واحدها از جمله واحدهای لینی بطور ۱۰۰ درصدی اما با مشکلات خاص خود مشغول فعالیت‌اند.

دریابیکی با تاکید بر حمایت از تولید کنندگان از سوی دولت، افزود: در آغاز طرح هدفمندی یارانه‌ها، قانون منع واردات تصویب و قرار بر این بود که ۲۰ تا ۳۰ درصد از درآمد حاصله از اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به بخش تولید بازگردانده شود که این امر محقق نشد.

این فعال کارگری ادامه داد: با شرایط پیش آمده اکنون تولیدکنندگان سرگردان و نگران آینده هستند.

دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران در مورد اهمیت دادن به بخش خصوصی تاکید کرد: باید به بخش خصوصی بها داده شود، زیرا در صورت عدم اختیار بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری صورت نمی‌گیرد و زمانی در بخش خصوصی سرمایه‌گذاری انجام می‌شود که اطمینان از آینده وجود دارد. او عمده مشکلات واحدهای تولیدی را عدم نظارت دولت بر تهیه و قیمت مواد اولیه عنوان کرد و افزود: هم اکنون کارفرمایان و تولید کنندگان توان خرید و تهیه مواد اولیه تولیدات خود را ندارند.

این فعال کارگری با بیان اینکه به دلیل عدم وجود دیدگاه حمایت از تولیدکننده و نفع عده‌ای از افراد در زمینه واردات از تولیدکنندگان حمایت نشده و واردات صورت گرفته است افزود: واردات صورت گرفته باعث شد نه تنها اشتغال زایی انجام نشود بلکه فرصت‌های شغلی موجود نیز از بین برود.

کاهش ۴۰ درصدی تولید خودرو در سال جاری

طبق آمار موجود میزان تولید خودرو در سه ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است.

عضو انجمن قطعه سازان اعلام کرد: در حال حاضر نقدینگی قطعه‌سازان به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، به تبع آن تولیدکنندگان در شرایط نامناسبی قرار دارند.

محمدرضا نجفی‌منش گفت: به واسطه شرایط ایجاد شده، طبق آمار موجود میزان تولید خودرو در سه ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته بین ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش یافته است.

وی همچنین با انتقاد از قیمت‌گذاری دستوری دولت در بازار، اعلام کرد: قیمت خودرو باید در حاشیه بازار تعیین شود تا

گستر» توپ را به زمین سازمان تأمین اجتماعی پاس می‌دهد و عدم اجرای قانون بازسازی را ناشی از سهل انگاری تأمین اجتماعی می‌داند تا آنجا که منجر به تغییر مدیریت کلان سازمان شده است.

در خاتمه این نامه، کارگران خواستار تسریع در اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده و افزوده‌اند: اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع منجر به بازنشستگی خیل عظیمی از کارگران و زحمتکش با سوابق

طولانی و جایگزینی بیکاران و جوانان جویای کار کشور خواهد شد.

پایان تابستان با لشکر بیکاران مواجه می‌شویم

به رغم اینکه بعضی مسئولان بحرانی شدن وضعیت واحدهای بحرانی را به مسائل تحریم ارتباط می‌دهند اما هم اکنون شاهدیم که علت عمده مشکلات واحدهای بحرانی کشور به دلیل اعمال مدیریت نا صحیح است.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اعلام کرد: در پایان سه ماهه فصل تابستان با افزایش بی‌سابقه نرخ بیکاری مواجه می‌شویم.

علی دهقان‌کیا با انتقاد از نحوه حمایت از واحدهای تولیدی کشور به اینها گفت: واردات بی‌رویه کالاهای چینی و عدم حمایت کافی از واحدهای تولیدی موجب بروز بحران بیکاری شده است.

عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران از افزایش تعداد واحدهای بحرانی در کشور خبر داد و گفت: به رغم اینکه برخی از مسئولین بحرانی شدن وضعیت واحدهای بحرانی را به مسائل تحریم ارتباط می‌دهند اما هم اکنون شاهدیم که علت عمده مشکلات واحدهای بحرانی کشور به دلیل اعمال مدیریت نا صحیح است.

او با انتقاد از ارائه آمارهای ناصحیح در زمینه ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در کشور تصریح کرد: وقتی نرخ رشد اقتصادی به صورت دقیق مشخص باشد می‌توان در مورد نرخ بیکاری صحبت و تحلیل کرد.

دهقان‌کیا در ادامه یاد آور شد: برای اینکه بخواهیم آمار و اطلاعات درستی از بیکاری و اشتغال در استان‌ها داشته باشیم لازم است تا ادارات کل کار و همچنین سازمان تأمین اجتماعی در این زمینه بررسی‌های علمی و واقعی را انجام دهند.

عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با بیان اینکه در این بخش باید از خانوارها پرسید که چند نفر از آن‌ها بیکار و در جستجوی کار هستند، گفت: وقتی بتوانیم چنین آماری را داشته باشیم آن وقت می‌توان گفت که با یک آمار واقعی و روشنی از بیکاری و اشتغال در کشور مواجه هستیم. در این میان باید گفت ایجاد اشتغال و فرصت‌های جدید شغلی نیازمند حرکت در مسیر جهاد اقتصادی و تدوین برنامه‌هایی اجرایی از طریق شناخت نیازهای واقعی بازار کار است.

از میان....

امکان رقابت پذیری داشته باشد. دولت نباید در قیمت‌گذاری در بازار دخالت کند.

به گفته نجفی‌منش، اگر دولت پایش را از قیمت‌گذاری بازار خودرو بیرون بکشد، بازار به شرایط تعادلی می‌رسد.

اعتراض کارگران صنایع ریخته‌گری

دولت «مهرورز» و «عدالت گستر» توپ را به زمین سازمان تأمین اجتماعی پاس می‌دهد و عدم اجرای قانون بازسازی را ناشی از سهل انگاری تأمین اجتماعی می‌داند.

جمعی از کارگران شرکت صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری نسبت به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع اعتراض کردند.

به گزارش اینلنا، کارگران صنایع ریخته‌گری ایران با امضای طوماری خطاب به رئیس کمیسیون کارگری شهرستان ساوه نسبت به عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع و به تبع بازنشستگی پیش از موعد با ۲۵ سال سابقه کار معترض شدند.

در این نامه آمده است: همانگونه که استحضار دارید قانون بازسازی و نوسازی صنایع مصوب مجلس شورای اسلامی در برنامه چهارم توسعه اقتصادی به مرحله اجرا درآمد که خیل عظیمی از کارگران زحمتکش ایران اسلامی که سال‌ها در سنگر تولید مشغول خدمت بودند از مزایای آن بهره‌مند شدند.

در ادامه این نامه افزوده شده است: بدلیل تأخیر در تنظیم و تصویب برنامه پنجم توسعه اقتصادی ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع برای مدت یکسال دیگر از سوی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تصویب گردیده است.

این کارگران همچنین با بیان اینکه اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی در قانون برنامه پنجم توسعه نیز مصوب شده است تصریح کردند: در برنامه چهارم دولت مکلف و در برنامه پنجم مخیر به اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع شده است.

در ادامه نامه کارگران صنایع ریخته‌گری آمده است: علی‌رغم پیگیری‌های مستمر جامعه کارگری کشور اعم از کارگران، نهادهای و تشکلات کارگری، اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع متأسفانه تاکنون محقق نشده و هیچگونه نتیجه‌ای حاصل نشده است، این در حالیست که بلا تکلیفی و سرگردانی خیل عظیمی از کارگران که حائز شرایط برخوردار از قانون بازسازی و نوسازی صنایع می‌باشند را در بر داشته است.

به گفته کارگران صنایع ریخته‌گری ایران، سازمان تأمین اجتماعی عدم اجرای ماده ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع را ناشی از عدم همکاری معاونت پشتیبانی دولت دانسته است.

این کارگران با تأکید بر وظیفه قانونی دولت مبنی بر پرداخت سهم خود، خاطر نشان کردند: دولت «مهرورز» و «عدالت

پیش شرط استقرار دمکراسی واقعی در ایران احقاق حقوق ملل و اقوام تشکیل دهنده کشور می باشد

انتخابات یونان

یونان در منطقه پولی یورو با مشکلات زیادی روبرو است. پنج سال رکود اقتصادی، بیکاری بیش از ۲۰ درصد نیروی کار و حذف خدمات اجتماعی این کشور اروپایی را با یک بحران همه جانبه سیاسی و اقتصادی روبرو کرده است. اعتراضات گسترده مردم به نسخه ریاضت اقتصادی که از جانب کشورهای قدرتمند اروپایی و آمریکا برای این کشور نوشته شده است، یونان را در مرز جدایی از منطقه یورو قرار داده بود. در همین رابطه رسانه های جهانی تحلیل و گمانه زنی های گسترده ای را منتشر می کردند. قریب به اتفاق این تحلیل ها بر این پایه استوار بود که برون رفت یونان از منطقه پولی یورو منجر به از هم پاشیدگی آن خواهد شد. در همان زمان روزنامه 'هافینگتون پست' در همین رابطه و با اشاره به احتمال خروج یونان از منطقه یورو در تحلیلی نوشت:

"این امر گام تازه ای در زنجیره وقایعی خواهد بود که در نهایت منجر به از هم پاشیدگی منطقه یورو خواهد شد. بر این اساس، در مرحله بعد و زمانی که یونان منطقه یورو را ترک کند، دولت این کشور پرداخت حدود ۱۲۱ میلیارد یورو بدهی اش به طلبکاران دولتی و ۲۷ میلیارد یورو قرض به صندوق بین المللی پول را نکول خواهد کرد".

انتخابات پارلمانی ماه مه نشان داد که ۷۰ درصد رای دهندگان با برنامه ریاضت اقتصادی دولت دست راستی مخالفند. در نتیجه هیچ حزبی قادر نشد دولت تشکیل دهد. انتخابات در هفدهم ژوئن تکرار شد. نتایج انتخابات هفدهم ژوئن بر خلاف انتظاری که می رفت به سود حامیان ریاضت اقتصادی پایان یافت. نتیجه ای که به هیچ وجه با واقعیت ها و خواست اکثریت مردم یونان هماهنگی نداشت. حزب کمونیست یونان بلافاصله پس از انتخابات، اقداماتی برای رسیدن به چگونگی و چرایی و روشن شدن واقعیت، شروع کرد. از جمله با ارائه تزهایی برای نظر سنجی، همه اعضاء و هواداران - دوستان و یاران حزب را به ارائه نکته نظراتشان دعوت نمود.

بخشهایی از قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان در مورد انتخابات هفدهم ژوئن ۲۰۱۲ و نتایج آن.

هیجدهم ژوئن ۲۰۱۲ جلسه کمیته مرکزی حزب به منظور بررسی مقدماتی نتایج انتخابات هفدهم ژوئن و حوادث پیش رو تشکیل گردید. نتایج بررسی کمیته مرکزی در حوزه های حزبی و سازمان جوانان کمونیست یونان، در مشاوره با دوستان و هواداران حزب، به منظور شنیدن نقطه نظرات گوناگون و راهنمایی ها، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. جمع بندی این نظرات در اختیار کمیته مرکزی قرار گرفته و بر اساس آن وظایف میرم آتی حزب تعیین خواهد گردید.

- بررسی نتایج اساسی انتخابات

بر اساس بررسی های مقدماتی، کمیته مرکزی نتایج زیر را به بحث می گذارد:

نتایج انتخابات هفدهم ژوئن ۲۰۱۲ برای مردم یونان که زیر ضربات سنگین بحران اقتصادی سرمایه داری قرار دارند، منفی خواهد بود.

بر حزب کمونیست یونان در این انتخابات تلفات سنگینی وارد گردید، که با تاثیر مواضع و حجم فعالیت آن همخوانی ندارد. این تلفات نتیجه توهم و تصور در مورد انتخابات «حد اقل بدی»، تصور در مورد راه بی خطر و راحت، توهم در مورد

امکان تشکیل دولتی که توان مهار بحران و بدتر شدن وضعیت مردم را شرایط حاکمیت انحصارات در چارچوب اتحادیه اروپا، را داشته باشد، بود. همگام با این، ترس و نگرانی مردم در رابطه با خروج یونان از منطقه یورو موثر بود. نتیجه این انتخابات در شرایط هجوم سیستماتیک و نا جوانمردانه تبلیغات عقیدتی - سیاسی و استفاده فعال از اینترنت به دست آمد. هدف اساسی سیستم حاکم، در شرایط بدتر شدن وضعیت مردم، تضعیف حزب و جلوگیری از رشد جنبش کارگری بوده و هست.

کمیته مرکزی از تمامی زحمتکشان و کسانی که علیرغم فشارها و شانناژها در کنار حزب ماندند و رای خود را به حزب کمونیست یونان دادند، قدردانی می کند. حزب به مبارزات قهرمانانه اعضای حزب و سازمان جوانان کمونیست یونان در این شرایط دشوار انتخابات ارج می نهد.

حزب «دمکراسی نوین» نتایج خود را بهتر کرد و با احراز مقام اول امکان تشکیل دولت ائتلافی را کسب کرد. سیاست «دمکراسی نوین» ضد کارگری و ضد خلقی است. این حزب تلاش می کند که فشار شدید بحران را بر گردن مردم بگذارد و بدین طریق سود سرمایه را تامین کند. «دمکراسی نوین» به بورژوازی و اتحادیه اروپا اطمینان داده، که استراتژی او در چارچوب اتحادیه اروپا است و در رابطه با بحران اقتصادی برنامه بورژوازی را اجرا خواهد کرد.

حزب «سیریزا» در دور دوم انتخابات آرای خود را بهتر نمود. هر چند که برنامه ارائه شده از طرف این حزب مقاصد اصلی آن را افشا ساخت. برنامه «سیریزا» که در آستانه انتخابات ششم ماه مه ارائه گردید، تنها حاوی شعارهای رادیکال در حرف بود. از جمله متوقف کردن خصوصی سازی، حذف قراردادهای اعتبارات بانکی و ... ماهیت برنامه این حزب همان برنامه بورژوازی است. «سیریزا» در مقابل عامل خارجی به عقب نشینی های زنده ای دست زد. این حزب با استفاده وسیع از فریب و حقه بازی آرای زیادی را از مردم کسب کرد.

حزب فاشیستی «شفق طلایی» توانست به حزب پارلمانی تبدیل شود. در شرایط بحرانی، «شفق طلایی» اسلحه مهم سیستم سیاسی بورژوازی برای ضربه زدن به طبقه کارگر و جنبش مردمی، محسوب می شود.

نتایج انتخابات نشان می دهد که گرایش به طرف جلوگیری از گسترش رادیکالیسم طبقاتی که در جریان بحران رشد یافته بود، تسلط یافته است. این گرایش تحت تاثیر گسترش رادیکالیسم خرده بورژوازی، به رهبری ایدئولوژی بورژوازی و تبلیغات، تسلط یافت. این کاملاً روشن است که رادیکالیسم در جریان مبارزات تعمیق نیافت و تثبیت نشد. به همین دلیل مبارزه در مقیاس لازم، توده ای نگردید و همچنین فاقد سازمان یافتگی و سمتگیری سیاسی لازم بود. این مبارزات با خواستهای واقعی مردم در تناسب نبود. در شرایط گسترش فقر عمومی و بیکاری گسترده، خواستهای مردم کاهش یافت.

کمیته مرکزی از تمام کسانی که در این انتخابات به حزب کمونیست یونان رای ندادند، بلکه احزاب دیگر و بخصوص «سیریزا» را ترجیح دادند، می خواهد که بطور جدی به بررسی این نتایج بپردازند. حزب از تمامی زحمتکشان می

انتخابات یونان....

در شرایطی که در اروپا دیگر احزاب کمونیستی در چارچوب پارلمان باقی مانده اند و با در ساختارهای سوسیال دمکراتها و اپورتونیزم چپ حل شده اند، حزب کمونیست یونان بر مواضع خود قاطعانه ایستاد. هر چند که در مقایسه با نفوذ و وزن سیاسی آن میزان رای دهندگانش کاهش یافت.

حزب کمونیست یونان همگام با کارگران رادیکال و نیروی مردمی علیه دولت از لحاظ سیاسی ورشکسته مبارزه خواهد کرد، تا مردم را مجبور نسازند بار بحران اقتصادی را بر دوش بکشند. نباید امید را از دست داد. مردم باید نیروی خود را متمرکز سازند و بخاطر کسب حاکمیت مبارزه کنند. در این مبارزه طبقه کارگر، اقشار تهری دست مردم، جوانان و زنان در مرکز توجه حزب کمونیست یونان قرار دارد. کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان آتن 18 - 04 - 2012

سیاست خارجی ...

بدین طریق ایران بیک کشور منزوی تبدیل گردید. حلقه این انزوا بعد از غنی کردن اورانیوم تنگتر شد. ایران از جانب کشورهای غربی مورد تحریم اقتصادی و مالی قرار گرفت. هر روز که میگذرد این تحریم ها تاثیر منفی خود را بیشتر نشان میدهد. بنابه گزارش گزارشگر "نیورک تایمز" که اخیراً از ایران دیدار و با مردم گفتگو کرده است. در نتیجه تحریمها کارخانه ها در حال تعطیل و کارگران در حال از دست دادن کار هستند. تجارت متزلزل شده قیمت ها افزایش میابد. این وضع برای طبقه متوسط ویرانگر است. بعبارت دیگر در نتیجه تحریم ها فشار اقتصادی شدت میابد و نارضایتی مردم بیشتر می شود. در این گزارش بطور مشخص گزارشگر می نویسد: یک کارخانه دار که تابلو برق تولید میکند به من گفت ناچار شده است دوازده تن از پانزده نفر کارگر خود را اخراج کند. یک کارخانه دار دیگر که تولید کننده نخ و پارچه است میگوید که تحریم ها مشکلات موجود را تشدید کرده است. افزایش قیمت ها، تولید را تقریباً غیر ممکن کرده است و در نتیجه این تحریم ها همه چیز سخت تر و وقتگیرتر و گرانتر شده است. کارخانه دار دیگری نیز شکایت دارد که یک سال و نیم پیش یک مبدل برق در کارخانه اش منفجر شد. بدین سبب یکی از خطوط تولیدش را تعطیل کرد و در نتیجه او روزی پانصد دلار ضرر میدهد. گزارشگر روزنامه نیویورک تایمز از شهر تبریز دیدن کرده و با یک فروشنده کفش های ورزشی دیدار نموده است. فروشنده با ناراحتی به او گفته است: فروش در یک سال گذشته به یک سوم کاهش یافته است. او با تنفر افزوده است که دست بسیاری از ایرانیان چنان تنگ است که با کفشهای تقلبی چینی به مهمانی میروند. در این گزارش آمده است. به این دلیل که رئیس جمهور (محمود احمدی نژاد) تمام یارانه ها، از نان گرفته تا بنزین را حذف کرده است. در ماندگی مالی دو چندان شده است. این شاید سیاست اقتصادی مثبت باشد ولی بسیار منفور است. بنظر این گزارشگر نارضایتی در کل سیستم سیاسی ایران در حال افزایش است. ایرانیان برای افزایش قیمت ها از رهبران شان عصبانی هستند... آنها میگویند ما دیگر نمیتوانیم مثل گذشته کار کنیم و کیفیت زندگی مدام سیر نزولی طی می کند. در حالیکه ایران کشوری است ثروتمند و با اجرای سیاست درست میتوان رفاه مردم را بالا برد. کارخانه ها را توسعه داد. نرخ بیکاری را پائین آورد. اجرای چنین سیاستی در زمانی ممکن است که ایران سیاست معقول و مناسبی در عرصه جهانی اتخاذ کند و سیاست انزوا طلبی را کنار بگذارد. در داخل کشور نیز آزادیهای دمکراتیک را رعایت نماید. و مانند بسیاری از کشورها یک سیاست خارجی ملی را پیش بگیرد.

خواهد که خونسردانه حوادث پیش آمده مابین ششم ماه مه و هفدهم ژوئن را بررسی کنند. در تمامی دوران پس از دیکتاتوری، ما با چنین پدیده هایی برخورد نکرده ایم. از جمله:

- در جریان رقابتهای انتخاباتی ما شاهد دخالتهای مستقیم کادرهای رهبری کمیسیونهای شورای اروپا، آلمان، فرانسه، صندوق بین المللی پول، آمریکا و رسانه های بین المللی بودیم. تمامی کسانی که منافع انحصارات را حفاظت می کردند، در انتخابات دخالت مستقیم داشتند. در این چارچوب آنها پیگیرانه تلاش کردند، که حول «دمکراسی نوین» و «سیریزا» قطبهای جدیدی به وجود آورند.

- اتحادیه موسسات صنعتی یونان اطلاعیه در رابطه با ضرورت تشکیل دولت ائتلافی با شرکت «سیریزا» انتشار داد، که به معنای حمایت از «سیریزا» توسط بخشی از انحصارات و رسانه های گروهی و همچنین رادیو و تلویزیون دولتی بود.

- در حزب «سیریزا» به طور سازمان یافته بخش عمده کادرهای حزب سوسیال دمکرات یونان وارد شدند. بخصوص کادرهای اصلی حزب سوسیال دمکرات یونان. آنها فعالانه در سازماندهی مبارزات انتخاباتی «سیریزا» شرکت کردند. بخش عمده رای دهندگان حزب سوسیال دمکرات آرای خود را به «سیریزا» دادند.

- تمام احزابی که به اتحادیه اروپا گرایش داشتند، همگی معتقد بودند، که نسیم ملایم تغییرات مثبت در اروپا وزیدن گرفته و این میتواند بشکلی مثبت بر مردم یونان و حتی وسیعتر، تاثیر داشته باشد. آنها بر روی این تاکید می کردند، هر چند که می دانستند آلترناتیوهای ارتجاعی حل بحران در دست تهیه است.

هر دو انتخابات اخیر، بویژه آستانه انتخابات هفدهم ژوئن به میدان تقلب و فریب رای دهندگان، شانناژ، جعل خبر و حمله به حزب کمونیست یونان، تبدیل گردید. حمله به حزب در چارچوب مخالفت با استراتژی حزب، و علیه امتناع حزب کمونیست از شرکت در دولت بورژوازی برای اداره بحران بود. با اطمینان می توان گفت که پس از انتخابات بسیاری مسائل پشت پرده مربوط به مبارزات انتخاباتی و استفاده از «سیریزا» در این چارچوب آشکار خواهد شد.

حزب کمونیست یونان در این مبارزات انتخاباتی علیه ترس و تسلیم، علیه تهدیدهای گوناگون (اخراج از اتحادیه اروپا و هرج و مرج اداره کشور)، و توهماتی که «سیریزا» به طور سیستماتیک به آن دامن می زد، مبارزه کرد. حزب کمونیست یونان ماهیت بحران را برای مردم آشکار ساخت و مقدمات خروج از آن را در جهت سعادت زحمتکشان ارائه داد. و این عبارت است از: خروج از اتحادیه اروپا، لغو یک جانبه بدهی کشور، مالکیت عمومی بر ابزار تولید. یعنی رهبری کشور به وسیله حاکمیت خلق به رهبری کارگران.

همچنین باید گفت، که کوچکترین عقب نشینی حزب در مقابل فشار برای شرکت در دولت، که مدعی مهار بحران است، باعث خلع سلاح، عقب نشینی و شکست جنبش کارگری می گردد. در چنین حالتی حزب کمونیست یونان سیمای قاطع خود را در حرف و در عمل از دست می داد.

جنگ خانمانسوز در سوریه

مذهب، علوی و سلفی در برابر هم قرار گرفته اند. نیروی نظامی از حکومت علویان حمایت مینماید و با قیام کنندگان سلفی در حال جنگ ستیز بسر میبرند. حکومت با قدرت تمام از خود دفاع میکند. مخالفین با تمام نیرو علیه این حکومت میجنگند.

چنانکه گفته شد انقلابها در کشورهای عربی خود جوش بود و به احساسات مردم متکی بود. ولی عواملی در خارج در شعله ور شدن این قیام ها دینفع بودند و برای تغییرات دلخواه هرچه از دست شان میامد، انجام دادند.

کشورهای غرب تحت فرمانروایی آمریکا پشت سر قیام کنندگان قرار گرفتند. و توانستند این قیام ها را در مسیر دلخواه خود قرار دهند.

روسیه و چین بر عکس قیامهای «مردمی» را مورد پشتیبانی قرار ندادند. زیرا تغییر رژیم در این کشورها منافع روسیه و چین را در نظر نمیگرفت. روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد به قطعنامه ای علیه کشور رای داد که بر مبنی همان قطعنامه نیروی هوایی ناتو این کشور را نابود نمود. روسها و چینی ها بعداً به اشتباه خود پی بردند و مداخله نظامی خارجی بر علیه سوریه را غیر ممکن ساختند. آمریکا و هم پیمانان آن از این سیاست روسیه و چین عصبانی هستند. زیرا نمیتوانند آخرین پایگاه ضد غرب در خاورمیانه را از پای در آورند. حوادث یک سال اخیر بوضوح نشان داد که هر «جنبش انقلابی» نمیتواند جنبه مترقی داشته باشد. خاورمیانه و شمال آفریقا بعد از جنگ دوم جهانی در کنار اردوگاه شرق قرار گرفت. و روحیه ضد امپریالیستی در این کشورها قوت گرفت. حکومت های نو استقلال راه پاسداری از منافع ملی خود را در پیش گرفتند. بعد از سومین جنگ مصر و اسرائیل انور سادات رئیس جمهوری وقت مصر به انقلاب استقلال طلبانه مصر خیانت نمود. و از اردوگاه شرق جدا گردید به عامل نفوذی آمریکا در منطقه مبدل گردید. اما سوریه و لیبی همچنان در سیاست ملی پای بر جای ماندند و بعد از سقوط اردوگاه شرق باز هم روابط دوستانه با کشورهای روسیه و چین را ادامه دادند. تصادفی نیست که آمریکا میخواهد خاورمیانه و آفریقای شمالی را به جولنگاه بلامنزاع خود تبدیل کند. بعبارت دقیق تر کشورهای عربی مجدداً در زیر یوغ استعمار نو قرار گیرد. در صورت پیروزی بر سوریه این برنامه استراتژیک پایان خواهد یافت.

آیا دولت سوریه در برابر تهاجم مخالفین مذهبی خود شکست خواهد خورد یا خیر؟

بنظر میرسد با حمایت تمام عیار روسیه و چین از دولت قانونی سوریه، امپریالیسم غرب در این سنگر نبرد به آسانی پیروزی به دست نخواهد آورد.

سوریه آخرین کشور عربی است که جنگ داخلی در آن بیش از یک سال است بشدت ادامه دارد.

انقلابهای سراسری در کشورهای عربی، از تونس آغاز گردید. خودسوزی یک جوان، جرعه بود برای شعله ور شدن آتش همه گیر در سراسر کشورهای عربی. این انقلابهای خونین بشکلی از اشکال رهبران کهنه کار را یا کنار گذاشتند و یا نابود نمودند. جنگ داخلی در سوریه آخرین مرحله از انقلابهای کشورهای عربی است.

چرا مردم کشورهای عربی علیه حاکمان خود قیام کردند. قیام کنندگان چه میخواستند و اکنون به کجا رسیده اند. بعد از گذشت بیش از یک سال پاسخ به این سئوالها روشن گردیده است. مردم بدون هیچ برنامه به خیابانها آمدند خواستار کنار رفتن حاکمان خود شدند. مامورین امنیتی علیه آنها از اسلحه استفاده نمودند و عده ای را کشتند عده ای زیادی زخمی گردیدند خانه ها ویران گردید کارخانه ها از کار باز ایستاد و کشاورزان نتوانستند کارهای کشت و برداشت را مانند همیشه انجام دهند.

نتیجه مهمی که میتوان از این قیام ها بدست آورد. حکومت های سکولار سرنگون شدند و حکومت های مذهبی سرکار آمدند. بعد از سقوط رژیم گذشته در تونس وضع به حال عادی برگشت. در انتخابات آرام، اسلامی ها اکثریت کرسی های قانون گذاری را بدست آوردند. اما هنوز معلوم نیست که تونس با قوانین شریعت اداره خواهد شد یا خیر؟

اوضاع در مصر متشنج است اسلامگرایان در انتخابات مجلس قانون گذاری به پیروزی رسیدند. در انتخابات ریاست جمهوری نیز با تفاوت کمی به پیروزی دست یافتند. در این انتخابات معلوم شد که مردم مصر به دو اردوگاه سیاسی و مذهبی تقسیم شده اند. هواداران حکومت غیر مذهبی و هواداران حکومت مذهبی.

حکومت قانونی لیبی با مداخله نظامی از پای در آمد. رئیس دولت بشکل فاجعه باری به قتل رسید. کشور آباد شگوفای لیبی به ویرانی مبدل گردید. ثروت بی کران آن به تاراج رفت. سپرده های میلیاردری این کشور در بانک های کشورهای غربی ماندگار شد که بازگشت آن بعید بنظر میرسد.

در یمن بیش از یک سال مخالفین و هواداران رژیم در رویاروی هم قرار گرفتند. بالاخره با کنار رفتن «داوطلبانه» رئیس جمهور پیشین در روی پاشنه سابق چرخید. معاون رئیس جمهور در رأس قدرت قرار گرفت، سکوت و آرامش در این کشور از نو برقرار گردید. اکنون سوریه به آخرین دژ برای حفظ حکومت مبدل گردیده است. در این کشور دو

فرقه دموکرات آذربایجان پروسه های منطقه ای و جهانی را مد نظر داشته، با بیش از نیم قرن تجربه فعالیت سیاسی و با درس عبرت گرفتن از ناکامی و پیروزی های گذشته مبارزه ملی مردم آذربایجان را جهت داده، فعالیت خود را در مقیاسی جدید ادامه می دهد

پیشنه وری

تحولات سیاسی خاورمیانه و تاثیرات ناشی از آن

و اپوزیسیون سیاسی آن کشور با آن مواجه می باشد عبارت از عدم پایداری برخی از جریانها و گروه های موجود اپوزیسیون سوریه به پذیرش اصول عام دمکراسی و حقوق بشر است که میتواند زمینه مناسبی را برای تأمین ثبات سیاسی و رشد همه جانبه اقتصادی و اجتماعی در آن کشور را فراهم نماید. یکی دیگر از دلایل وجود تفرقه و چند دستگی در میان نیروهای مخالف در سوریه عبارت است از مداخله کشورهای ذینفع خارجی در امور داخلی سوریه با هدف تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود در حال و آینده آن کشور می باشد. هر کدام از این کشورها با توجه به مواضع و دیدگاههای خود از بخشی و گروههای معینی از نیروهای اپوزیسیون حمایت می نمایند و زمینه را برای جدایی و حتی دشمنی میان گروههای اپوزیسیون به وجود آورده اند. تا جاییکه در حال حاضر 60 گروه مخالف مسلح بطور جداگانه و بدون هماهنگی با گروههای دیگر به مبارزه علیه نیروهای وابسته به رژیم سوریه می پردازند. دلیل مهم دیگری که در ارتباط با بحران سوریه می توان به آن اشاره کرد عبارت است از اهمیت سیاسی جغرافیایی سوریه بعنوان یک کشور خاورمیانه ای است. سوریه تنها کشور مهم عربی است که روسیه میتواند با استفاده نمودن از وجود رابطه با آن کشور همچنان بعنوان بازیگر مهمی در صحنه سیاسی و اقتصادی خاورمیانه اظهار وجود نماید و در بده بستانهای مهم دیپلماتیک بین المللی موقعیت خود را تحکیم و حفظ نماید. که در صورت سقوط رژیم بعث و بشار اسد در سوریه منافع روسیه بشدت صدمه خواهد دید و روسیه به جای بازیگر به تماشاگری بی امکان و ضعیف در صحنه سیاسی خاورمیانه تبدیل خواهد شد. این واقعیت ها مهمترین دلیل برای ادامه حمایت دولت روسیه از حکومت بشار اسد می باشد. کشورهای اروپایی، آمریکا و ترکیه و برخی از کشورهای عربی نیز با استفاده نمودن از امکانات مالی - سیاسی - دیپلماتیک و تبلیغاتی خود و برگزاری کنفرانس های متعددی تحت عنوان دوستان سوریه که تا کنون در شهرهای تونس، استانبول، قاهره، ژنو، رم و پاریس برگزار گردیده است، سعی می نمایند با هماهنگ کردن فعالیت های خود، مقاومت روسیه - چین و سوریه را در هم بشکنند و کشورهای دیگری را به صفوف دوستان خود در خاورمیانه بیفزایند. تلاشهای چند ماهه کوفی عنان نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب نیز که منجر به فرستادن حافظان صلح و ناظران بر آتش بس به سوریه گردید، بدلیل تشدید هر چه بیشتر جنگهای مسلحانه در داخل سوریه و همچنین بدلیل مقاومت های چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد می توان گفت که با شکست مواجه شده است. این دو کشور با استفاده از حق وتوی خود از صدور هر نوع قطعنامه ای بر علیه رژیم سوریه ممانعت به عمل می آورند.

حوادث سوریه برای کشور ترکیه نیز دارای اهمیت قابل توجهی می باشد. چرا که حوادث حال و آینده سوریه کشور ترکیه را بشدت تحت تاثیر قرار خواهد داد. در سوریه 2.5 میلیون کرد زندگی می کنند و محل سکونت آنها در مناطق هم مرز با دولت ترکیه قرار دارد. در طول دهه های گذشته حزب کارگران کردستان (پ - ک - ک) برای انجام و تداوم فعالیت های

در شرایط فعلی کشورهای مختلفی در منطقه خاورمیانه با بحران های عمیق سیاسی و اجتماعی که ریشه در سیاستهای غلط و غیر مردمی دولتمردان آن کشورها در طول دهها سال گذشته دارد، همچنان مواجه بوده اند و می باشند. ولی در بعضی از این کشورها مانند عراق و سوریه هیچگونه دورنمای امیدوارکننده ای و یا امکان دست یابی به راه کارهایی که بتواند راهگشای حل و فصل مسالمت آمیز و عادلانه این بحران ها باشد مشاهده نمی گردد. بخصوص حوادث و رویدادهای سوریه که در هفته های اخیر ابعاد بسیار خطرناک و نگران کننده ای را به خودگرفته است. که نتیجه آن می تواند صلح و ثبات منطقه ای و جهانی را در مقیاسی بی سابقه به خطر بیندازد. از جمله این حوادث مهم میتوان به سرنگونی یک فروند هواپیمای جنگی (فانتوم - 4 - اف) ترکیه توسط نیروهای نظامی ارتش سوریه در تاریخ 22 ژوئن 2012 که در عین حال منجر به کشته شدن دو نفر از سرنشینان هواپیما گردید، اشاره نمود. متقابلاً دولت ترکیه به اتخاذ تدابیر امنیتی مهمی از جمله اعزام نیروهای نظامی و تجهیزات جنگی به مرزهای مشترک با سوریه نمود. در نتیجه به وجود آمدن چنین وضعیتی می تواند امکان رویارویی نظامی میان دو کشور را به طرز نگران کننده ای افزایش دهد. و همچنین امکان گسترش چنین جنگی را در ابعاد وسیعتر فراهم نماید. مورد مهم دیگری که در ارتباط با اوضاع سوریه باید به آن توجه نمود عبارت است از تبدیل شدن جنگ تمام عیار مسلحانه با استفاده از کمک های تدارکاتی کشورهای ذینفع خارجی بعنوان شکل اصلی مبارزه با رژیم بشار اسد است. که موجب به وجود آمدن یک تراژدی بزرگ انسانی در آن کشور گردیده است و تلفات افراد غیر نظامی بخصوص زنان و کودکان و افراد بی دفاع را به همراه داشته است. بدلیل استفاده طرفهای درگیر از سلاحهای سنگین و نیروی هوایی خسارات سنگینی به مناطق مسکونی وارد گردیده است به حدی که امکان دسترسی مردم را در جهت تأمین احتیاجات روزمره خود با مشکلات جدی و غیر قابل تحملی مواجه نموده است.

میشود به دو دلیل مهم در ارتباط با ادامه بحران و جنگ داخلی در سوریه اشاره نمود. دلیل اول عبارت است از عدم تفاهم و هماهنگی میان مخالفان دولت سوریه در ارتباط با ارائه یک خط مشی واحد سیاسی و برنامه ای در چارچوب یک ائتلافی ملی از احزاب و سازمانهای سیاسی آن کشور که بتواند امکان نتیجه بخش تلاشهای داخلی و بین المللی را برای حل بحران در سوریه را فراهم نماید. این عدم تفاهم از آن جهت است که جامعه سوریه دارای ساختاری نا همگونی از تعلقات مختلف دینی و ملی می باشد که عبارتند از سنی های طرفدار اخوان المسلمین و سنی های سلفی - شیعه مذهبی ها - مسیحی های مارونی و دروزی - احزاب و سازمانهای سکولار و کردهای آن کشور که دارای 14 حزب و سازمانهای سیاسی مختلف می باشند و طرفداران بشار اسد.

البته وجود این چنین تنوع و کثرتی در ساختار اجتماعی جامعه سوریه امری طبیعی و قانونمند است. چرا که اکثریت کشورهای جهان نیز دارای ساخت و بافت نا همگون ملی - دینی و سیاسی می باشند. ولی مشکل اصلی که جامعه سوریه

تحولات سیاسی....

مبارزه مسلحانه خود بر علیه ترکیه از این مناطق کرد نشین استفاده های موثری نموده است. به همین دلیل دولتی که در آینده در سوریه به حاکمیت برسد، روابط آن دولت با ترکیه از اهمیت زیادی در ارتباط با همکاری و یا عدم همکاری برای مبارزه با پ - ک - ک بر خوردار خواهد بود. و مورد مهم دیگری وضعیت حقوقی و سیاسی ساکنان کرد در آینده سیاسی سوریه می باشد. که میتواند تاثیر زیادی بر موقعیت کردهای ترکیه نیز داشته باشد. به همین دلیل دولت ترکیه در ابتدای زمان شروع مبارزات مردم سوریه بر علیه رژیم آن کشور به شکل بسیار فعالی از جبهه مخالفان دولت سوریه حمایت بعمل آورد و این سیاست تا کنون نیز ادامه دارد که موجب بوجود آمدن تنش های زیادی در روابط ترکیه و سوریه گردیده است.

جمهوری اسلامی ایران هم یکی از کشورهایی است که در صورت سقوط رژیم بشار اسد در سوریه هم از جهت وجهه سیاسی و هم از جهت نفوذ منطقه ای و اقتصادی در معرض بیشترین صدمات و زیانهای همه جانبه قرار خواهد گرفت. میتوان گفت که جبهه سوریه مهمترین خاکریزی است که میتواند حملات و فشارهای اروپا و آمریکا را بر علیه ایران به حد اقل برساند. چرا که در صورت ادامه مقاومت دولت سوریه در قبال مبارزات مردم و فشار کشورهای خارجی بر علیه خود موجب آن خواهد شد که ایران بتواند برای مدت زمان بیشتری سیاست ادامه مقاومت و رویارویی با کشورهای اروپایی و آمریکایی را با هدف امتیاز گیریهای بیشتری ادامه داده و از نفوذ خود در سوریه بعنوان برگ برنده ای در مذاکرات هسته ای و موارد دیگری که در مذاکرات مطرح خواهد شد استفاده نماید.

باز هم دریاچه ارومیه



هیجده سال است که طبل کاهش آب دریاچه ارومیه به صدا در آمده است. در این مدت طولانی دولت نتوانسته و یا نخواستسته است عواقب فاجعه بار خشک شدن این دریاچه را درک نماید. اکنون دو سوم آب این دریاچه کم شده است. و این روند در حال پیشروی است. این خطر به حدی جدی است که مسئولان استانی و کشوری از آن بعنوان یک بحران جدی یاد میکنند. این دریاچه بزرگ پنج هزار کیلومتر مربع وسعت دارد. دولت مدعی است برای جلوگیری از این فاجعه دست به اقداماتی زده است. از جمله انتقال آب رودخانه های جنوبی آذربایجان غربی به حوضه آبریز دریاچه ارومیه. اما این اقدامات در عمل کارایی

خود را نشان نمی دهد. اگر این طرح اجرا شود سالانه هفتصد هزار متر مکعب آب از حوضه جنوبی به دریاچه ارومیه منتقل خواهد شد. دومین طرحی که صحبت از آن است، انتقال آب از رودخانه مرزی ارس به حوضه دریاچه ارومیه است. که گفته شده است اخیراً تفاهم نامه اجرایی آن با یک شرکت بین المللی ترکیه امضا شده است. در صورت اجرایی شدن این طرح، آب رودخانه ارس به دریاچه ارومیه منتقل خواهد شد. سومین طرحی که برای احیای دریاچه ارومیه مطرح است، تغییر نظام آب یاری سنتی است. که با صرف جویی آب در بخش کشاورزی، مازاد آن به دریاچه واریز خواهد شد. گفته می شود در قالب این طرح یک میلیارد متر مکعب آب های مازاد به دریاچه ارومیه ریخته می شود. در حال حاضر ارتفاع آب دریاچه ارومیه هفت متر از تراز زمان پر آبی و سه متر از تراز اکولوژیکی آن پائین تر است. بر اثر این کاهش و شوری بیش از حد آب حیات موجودات زنده در این دریاچه با خطر نابودی روبرو شده است. اهالی منطقه در انتظار آنند که این طرح ها عملی شود و دریاچه ارومیه به وضعیت اولیه خود باز گردد. بدین طریق است که منطقه از فاجعه زیست محیطی از آن جمله طوفان نمک نجات پیدا می کنند.

قطعنامه پارلمان اروپا در رابطه با نقض حقوق اقلیت های قومی و مذهبی در ایران

اقلیت های قومی، بخشی از نقض عمومی حقوق بشر در ایران است. در ادامه به افزایش مجازات اعدام و از جمله اعدام نوجوانان در ایران اشاره شده که در پاره ای موارد برای ساده ترین جرایم اعمال می شوند. پارلمان اروپا از مقامات جمهوری اسلامی خواسته به پیمان نامه های بین المللی در مورد حقوق اقلیت ها احترام بگذارند و جلوی تبعیض و ستم در قبال عرب ها، کردها، ترکمن ها، بهاییان، آذری ها یا بلوچ ها را بگیرند. این قطعنامه جمهوری اسلامی را به توقف آزار و شکنجه اقلیت های زندانی فراخوانده و حق درمان یا حق داشتن وکیل را نیز از حقوق اولیه آنها دانسته است. در بخش دیگری از این قطعنامه، نام شش زندانی عرب اهوازی ذکر شده که به اعدام محکوم شده اند. پارلمان اروپا خواستار آن شده که این شش نفر در دادگاهی با هنجارهای بین المللی محاکمه شوند و مجازات اعدام آنها را تهدید نکند. پارلمان اروپا تصریح کرده که حکومت ایران به سرکوب کنشگران اقلیت های قومی و مذهبی می پردازد، آنها را آزار می دهد و به بهانه "توزیع مواد مخدر" یا "محرابه" محکوم به اعدام می سازد. در بند شش این قطعنامه از جمهوری اسلامی خواسته شده که امکان سفر کارشناسان مستقل سازمان ملل در امور نژادپرستی و بیگانه ستیزی به ایران را فراهم سازد تا آنها بتوانند از نزدیک شرایط اقلیت های قومی و مذهبی در این کشور را مشاهده و مستند کنند.

پارلمان اروپا با صدور یک قطعنامه مقامات ایرانی را به رفتار نا عادلانه با اقلیت های قومی و مذهبی فراخواند. در این قطعنامه از سرکوب فعالیت های مسالمت آمیز اقلیت ها در جمهوری اسلامی و نقض حقوقی آنها به شدت انتقاد شده است. روز جمعه (۱۵ ژوئن/۲۶ خرداد) پایگاه خبری پارلمان اروپا، مفاد قطعنامه ای در مورد حقوق اقلیت ها در ایران را منتشر کرده است. این قطعنامه با استناد به شواهد مندرج در قطعنامه کمیته حقوق بشر سازمان ملل و گزارش احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در ماه نوامبر سال ۲۰۱۱ تهیه و صادر شده است. این قطعنامه از آذری ها، کردها، عرب ها و بلوچ ها به عنوان قربانیان نقض حقوق بشر در ایران یاد کرده و از جمله خواستار بازنگری در حکم اعدام شش نفر از شهروندان عرب اهوازی شده است. پارلمان اروپا در این قطعنامه به نقض حقوق اولیه این اقلیت ها در تکلم به زبان مادری یا سرکوب تجمع ها و سلب حق تشکل و آزادی بیان آنها اعتراض کرده است. در بخشی از این قطعنامه آمده که قوانین ایران تنها زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان را به رسمیت می شناسد و در کنار پیگرد و آزار بهاییان و درویش، نسبت به سنی های این کشور اعمال تبعیض می کند. قطعنامه یادآور شده که تساوی حقوق و فرصت برای همه در قانون اساسی ایران پیش بینی شده اما فرصت های تحصیلی یا شغلی از کسانی چون بهاییان دریغ می شود. در این قطعنامه آمده که ایران در نقض حقوق اقلیت ها، حتی به اصول قانون اساسی خود نیز پایبندی نشان نمی دهد. این قطعنامه تاکید کرده که نقض حقوق انسانی و مدنی

آگاهی ملی عمیق تر میشود

تبدیل شده بود. حکومت دست نشانده تهران آزادیهای دمکراتیک در آذربایجان و کردستان را نابود نمود. اما قرن بیست و یکم خلاف آنرا نشان میدهد. اقوام غیر فارس برای دست یابی به حقوق ملی خود از امکانات جدیدی برخوردار هستند. بعبارت دیگر جهان سرمایه داری سیاست «ضد استبدادی» را در پیش گرفته است. انقلابهای عربی را مورد پشتیبانی قرار میدهد. پشت دیکتاتورهای «خودی» را خالی میکنند. راستی تاریخ عوض شده است. ملل غیر فارس از جمله مردم آذربایجان در چنین شرایط مساعدی بسر میبرند. در شرایط کنونی هیچ حکومت قدرتمندی در جهان پشت سر شویینستهای ضد ملی در ایران قرار نگرفته است. آنها بر عکس خواهان آزادیهای دمکراتیک، از آن جمله تامین حقوق ملی ملتها هستند.

مردم آذربایجان قرن ها با ملل دیگر ایران در کنار هم زیستند. و در دفاع از مرزهای این کشور پهناور شرکت نمودند. بدین طریق در حفظ و پایداری ایران بعنوان یک کشوری بزرگ نقش تعیین کننده به عهده گرفتند. استقرار دمکراسی در ایران عمده ترین شعاری است که برای همه مردم ایران جنبه حیاتی دارد. دست یابی به حقوق نیز جز از اجزایی دمکراسی محسوب میشود. خودمختاری و یا استقلال، شکل خودگردان ملت‌های مظلوم در جهان کنونی را تشکیل میدهد. با آزاد شدن ایران از استبداد قرون وسطایی آذربایجان نیز در تعیین مقررات خود مختار خواهد بود. تردیدی نیست که این خودمختاری نه در برون از مرز ایران، بلکه در درون مرز های ایران عملی خواهد شد.

تخریب محیط زیست و بی توجهی مسئولین

خطر نابودی سریع جنگل ها در ایران

نماینده فائو (سازمان کشاورزی و خواریار ملل متحد) از تخریب سریع جنگلها در ایران خبر داد.

نورالدین موناگفت: حدود 70 درصد از اراضی ایران، از جمله جنگل‌ها و مراتع در مناطق خشک و نیمه‌خشک قرار دارند. این شرایط سخت، همراه با خشکسالی‌های مکرر و کمبود شدید آب، باعث ایجاد فقر و ناامنی غذایی می‌شود.

وی ادامه داد: در ایران مانند کشورهای منطقه خاور نزدیک، جنگل‌ها سریع‌تر از اکثر نقاط جهان در حال ناپدید شدن هستند. مونا درخصوص دلیل ناپدید شدن جنگل‌ها در ایران گفت: این امر به دلیل ناتوانی و شکست بسیاری از سیاست‌های استفاده از جنگل و اراضی ملی برای اداره کردن مؤثر تقاضای فشرده و رقابت آمیز در استفاده از جنگل‌ها و منابع طبیعی و همچنین فقدان ظرفیت‌های فنی و سرمایه‌گذاری‌های درازمدت و هماهنگ است، قطع بی‌رویه درختان و از بین بردن جنگل‌ها، برداشت ناپایدار چوب به‌عنوان سوخت و چرای بی‌رویه از رخدادهای شایع در ایران است.

نماینده فائو افزود: تغییرات آب و هوا، فشار بیشتری به جنگل‌ها وارد می‌کند و آسیب‌پذیری مردم، اکوسیستم‌های جنگلی و گونه‌های زنده در مناطق خشک شده به دلیل فرسایش

آذربایجان مهد آزادی نام گرفته است. در صد سال اخیر این خطه در مرکز آزادیخواهی قرار گرفته و پرچم مبارزه ضد استبدادی را بر افراشته نگاه داشته است. دولت تهران نتوانست محاصره شهر تبریز را بشکند. خیابانی اولین بار آذربایجان را به آزادستان تبدیل نمود. حکومت کوتاه مدتی در شهر تبریز بوجود آورد. پیشه وری سومین شخصیت آذری تبار بود که نخستین بار در آذربایجان حکومت ملی را سرکار آورد. این حکومت اولین بار در تاریخ ایران زمینهای خالصه را میان دهقانان تقسیم نمود. به زنان حق رای داد. زبان آذربایجانی را به رسمیت شناخت. در راه آبادانی گامهای بلند برداشت. آذربایجان در همه سه مرحله مورد تهاجم تهران قرار گرفت. ستارخان را به تهران برد و در آنجا کشت. خیابانی را در به ضرب گلوله از پای در آورد. پیشه وری را از ایران بیرون راند و هزاران آذربایجانی را از دم شمشیر گذاراند و آذربایجان را به دریای خون تبدیل نمود. لیکن آذربایجان از پای نایستاد و به مبارزه ادامه داد.

مردم آذربایجان در سرنگونی رژیم پهلوی نقش تعیین کننده ایفا نمودند و پیروزی انقلاب بهمین را به سرانجام رساندند. به همین خاطر مرتجعین ضد آذربایجانی کین و نفرت خود را نسبت به مردم این خطه دو چندان کردند. حقوق ملی آنها نادیده گرفتند. زبان فارسی را به آذری زبانها دوباره تحمیل نمودند. خواندن و نوشتن به زبان مادری را برای کودکان آذری ناپدید گرفتند. سالها می گذرد. نسلها تجدید میشوند. آرزو و آمال آزادیخواهی از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود. در چنین شرایطی ملت گرایی در آذربایجان و دیگر خلق های ساکن کشور از نو پا می گیرد و رشد میابد. نسل جوان به هویت خود پی میرود و تحت تاثیر شویینیزم عظمت طلبانه قرار نمی گیرد. سخن گفتن به زبان مادری به افتخار ملی خلقهای ایران مبدل میگردد. آذربایجان بار دیگر به مرکز آزادیخواهی تبدیل می شود. در این مبارزه همه خلق های ساکن ایران به پا خواسته اند، به اشکال گوناگونی برای رسیدن به حقوق ملی خود مبارزه می کنند، زندانی می شوند و شهید می دهند.

غرور ملی آذربایجانی ها به حدی رشد یافته، که در بازیهای فوتبال نیز خود را نشان میدهد. بازیکنان آذربایجانی پیروزی در فوتبال را به نام پیروزی آذربایجان قلمداد می کنند. نسل کنونی فرزندان ستارخان و باقرخان، خیابانی و پیشه وری، راه اجدادان خود را پیش گرفته اند و برای دست یابی به خواسته های ملی خود آگاهانه و در صف مقدم جبهه نبرد قرار دارند.

شب آبیستن است تا چه زاید سحر. جهان کنونی جهانی است که آزاد زیستن در راس شعار همه ملل و اقوام مظلوم قرار گرفته است. ایران کشوری است که در آن اقوام و ملل گوناگون زندگی میکنند. در این کشور ستمگران در قدرت قرار دارند. مظلومین و یا ستم دیدگان برای حفظ هویت ملی خود از همه اشکال و امکانات مبارزه استفاده میکنند. قرن بیست و یکم با سالهای میانه قرن بیستم تفاوت های ویژه دارد. در آن زمان جهان به دو قطب متضاد تقسیم شده بود. قطب شرق در محاصره اقتصادی و نظامی قرار داشت. قطب غرب در سراسر جهان حکومت میکرد و ایران به مرکز اقتدار آنها

تخریب محیط زیست....

جنگل‌ها را تشدید می‌کند. در نتیجه یک چرخه دائمی از فرسایش، بیابانزایی و فقر امنیت غذایی مشاهده می‌شود. مونا افزود: یکی دیگر از چالش‌های اصلی بیابانزایی در سراسر جهان و در ایران به‌طور خاص پیشروی شن است که اثرات مخرب زیست‌محیطی و اجتماعی- اقتصادی دارد. پیشروی شن زمین‌های زراعی، چراگاه‌ها و همچنین در دسترس بودن منابع آبی را کاهش می‌دهد. همچنین بهره‌وری اکوسیستم‌ها و کشاورزی را تهدید کرده و امنیت غذایی و معیشت جوامع محلی را به خطر می‌اندازد.

یکی دیگر از دریاچه‌های ایران در حال نابودی است

گزارش‌ها حاکی از آن است که دریاچه مهار لوی شیراز به دلیل پدیده قرمز، خشکسالی‌های پی در پی، ورود انواع فاضلاب و ... دچار تهدید جدی قرار گرفته است. این دریاچه در ۱۵ کیلومتری شیراز واقع شده که با وسعتی حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع پناهگاهی برای حیات وحش و پندگان محسوب می‌شود. مهمترین زیست‌مندان این تالاب پرند هایی مانند فلاینگو، مرغابی، آنقوت و ... هستند. طی چند مدت اخیر مشاهده پدیده کشنده قرمز در این دریاچه باعث نگرانی کارشناسان امر شده است و بر اساس آخرین گزارشات گونه آرتمیا در دریاچه مهارلو از بین رفته است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آقای علمداری هماهنگ کننده استانی طرح حفاظت از تالابهای ایران در رابطه با آخرین وضعیت دریاچه مهارلو گفته است: پایین آمدن سطح آب کمک می‌کند که شرایط برای رشد یک جلبک یا همان کشنده قرمز در دریاچه‌ها مهیا شود از این رو به دلیل کاهش آب طی چند مدت اخیر شاهد قرمز شدن دریاچه مهارلو هستیم. وی با بیان اینکه این جلبک سمی است، بیان کرد: روند پایین آمدن آب و بالارفتن غلظت نمک در دریاچه مهارلو باعث شده که شرایط برای زیست این جلبک فراهم شود که برای موجودات دریاچه مضر است.

علمداری تاکید کرد: هنگامی که تراکم جلبکها در سطح آب بالا رود به صورت لایه ای قرار می‌گیرند که مانع از تبادل هوا با آب و در نهایت کاهش اکسیژن می‌شود که در این شرایط سمیایی تولید می‌کند.

طی ماه‌های اخیر از طرف مجامع جهانی و طرفداران محیط زیست، انتقادات از دولت جمهوری اسلامی به دلیل کم اهمیتی به فجایع طبیعی مانند خشک شدن دریاچه‌های ایران بیشتر شده است.

قطع ناگهانی چهار هزار اصله درخت در جنگل تاریخی ابر

خبر قطع ناگهانی هزاران درخت در جنگل تاریخی ابر باعث نگرانی فعالان محیط دوستداران محیط زیست شده، خبرها حاکی از آن است که شبانه تعداد زیادی از درختان با ارزش در مسیر جاده ابر (شاهرود به علی آباد) قطع شده البته درباره تعداد درخت‌قطع شده آمار درستی در دست نیست.

به گزارش خانه ملت، هفته گذشته طی خبری اعلام شد سازمان محیط زیست عاقبت با ساخت جاده در جنگل ابر موافقت کرد، محمود جواد محمدی زاده رئیس سازمان حفاظت از محیط زیست این خبر را به پایگاه خبری اطلاع‌رسانی دولت اعلام کرده بود؛ این موافقت بالاترین مقام مسئول در سازمان

حفاظت از محیط زیست کشور در حالی است که پیشتر این مقام مسئول و دیگر معاونان‌اش بارها وعده‌هایی مبنی بر جلوگیری از هرگونه ساخت‌وساز جاده جدید در این جنگل را داده بودند.

در همین راستا و دو روز پس از اظهارات محمدی زاده، چندین دستگاه لوئر و اره موتوری به صورت شبانه و ضربتی وارد جنگل ابر شده‌اند و با سوءاستفاده از تعطیلی روز مبعث حدود چهار هزار اصله از درختان حواشی این جاده را قطع کردند. بر اساس گزارش‌هایی که تا امروز منتشر شده افراد خاصی برای اینکه آثاری از این اقدام خود به جای نگذارند تمام این درختان را که از گونه‌های با ارزش سرخدار، راش، بلوط و آزاد بودند، ریشه کن کرده‌اند.

برخی نیز معتقدند جاده ابر بستری برای سودجویی برخی شده تا با ویلاسازی و شهرک‌سازی به تخریب هرچه بیشتر محیط زیست بپردازند، این جاده با عرضی برابر ۳۰ تا ۴۰ متر به هیچ عنوان بر خلاف ادعای مسئولان محیط زیست که مجوز ساخت آن را دادند، جاده‌ای روستایی نیست و در صورت احداث هزاران اصله درخت سرخدار که از با ارزش‌ترین و نادرترین گونه‌های درختی جهان است، نابود می‌شوند.

برخی مسئولان استانی برای گسترش شهرک‌ها و ویلاسازی نظیر منطقه پردیس سیاه روبرار هر چند وقت یک بار اهالی این منطقه را تطمیع کرده و با دادن پلاکاردهای تبلیغاتی به دست آنها ماجرا را به گونه‌ای جلوه می‌دهند که ساخت این جاده خواسته آنان است.

دست‌های اقتصادی پشت پرده در قطع درختان

نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی درباره قطع درختان و جادسازی در جنگل ابر، گفت: قرار بود جاده سازی در جنگل ابر با کارشناسی انجام شود و اطمینان وجود داشت این موضوع به این سرعت اجرایی نخواهد شد، اما گویا مسئولان تصمیم دیگری گرفته‌اند.

وی با اشاره به اظهارات چند ماه پیش معاون سازمان حفاظت از محیط زیست درباره توقف روند جاده‌سازی در جنگل ابر و اظهارات اخیر رئیس این سازمان مبنی بر بی ایراد بودن احداث این جاده، این اظهارات را متناقض خواند.

وظیفه استاندار حفظ محیط زیست نیست

این نماینده مجلس نهم درباره اینکه بررسی این موضع به استاندار سمنان سپرده شده بیان کرد: بررسی این موضوع وظیفه سازمان حفاظت از محیط زیست و سازمان جنگل‌ها و مراتع است، وظیفه استاندار حفظ محیط زیست نیست. وظیفه استاندار ایجاد امنیت و اشتغال و رسیدگی به مسائل سیاسی است.

تابش تاکید کرد: استاندار نمی‌تواند درباره این موضوع مهم، موضع تخصصی داشته باشد؛ البته درباره نظر دقیق ایشان اطلاعی ندارم، این موضوع را از قول مسئولان سازمان محیط زیست نقل می‌کنم که ظاهراً اختیار را به استاندار داده‌اند که تا وی جمع‌بندی در باره احداث جاده در جنگل ابر داشته باشند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت: هر مرجعی که به طبیعت تعرض کرده باید مورد مآخذ قرار گیرد و مسئولان قضایی هم نباید بیکار باشند.

تخریب محیط زیست....

تابش در ادامه به وجود راه‌های ارتباطی مختلف بین استان سمنان و گلستان اشاره و تاکید می‌کند: احداث جاده جنگل ابر ضرورتی ندارد، اما عده‌ای سود جو که قصد ویلا سازی در منطقه و به جیب زدن پول کلانی دارند برای احداث این جاده فشار می‌آورند. وی تاکید کرد: من فکر می‌کنم این موضوع بیشتر از اینکه متأثر از جریان‌های سیاسی باشد، پشت پرده‌های اقتصادی دارد. رئیس فراکسیون محیط زیست و توسعه پایدار یادآور شد: در هفته‌ای که درختان جنگل ابر قطع شد، مجلس تعطیل بود و نتوانستیم تذکری در این باره بدهیم. اما با اعضای این فراکسیون موضوع را در مجلس پیگیری جدی کرده و در همین راستا ۴۰ نماینده مجلس تذکری را در این ارتباط امضا کرده‌اند.

وی توضیح دهد: زمانی پیگیری‌های نمایندگان به نتیجه خواهد رسید که کارهای احداث جاده و قطع درختان شبانه انجام نشود و قطعاً مسئولان حقوقی و قضایی هم باید جلوی این امر را بگیرند.

به هر حال ابهامات و سؤالات جدی در این باره، نگرانی‌ها درباره آینده جنگل ابر را تشدید می‌کند، این جنگل یکی از منحصر به فردترین زیست‌بوم‌های ایران محسوب می‌شود، این جنگل با ۳۵ هزار هکتار وسعت در ادامه جنگل‌های سرسبز شمال کشور و در مسیر جاده شاهرود به آزدشهر قرار دارد و به دلیل این که در اغلب مواقع فضای این جنگل را اقیانوسی از ابر فراگرفته به این نام مشهور است. در این جنگل ابرها آنقدر به درخت‌ها نزدیک می‌شوند که به نظر می‌رسد جنگل بر روی ابرها سوار است و می‌توان در میان ابرها گشت و گذار کرد، این وضعیت یکی از زیباترین چشم‌اندازهای طبیعت ایران را شکل داده است.

جنگل ابر به سرنوشت دریاچه ارومیه تبدیل نشود

این زیبایی بکر و بی نظیر، از سالیان دراز، سرمایه داران بسیاری را وسوسه می‌کرد تا بتوانند در این فضای رویایی، برای خود ویلایی بسازند و تعطیلات را در آن سپری کنند. با این حال شاهد آن هستیم که با مصوبه دولت و حمایت سازمان محیط زیست، جاده جنگل ابر در حال ساخت است و آن‌طور که گزارش شده در این مسیر نیز هزاران اصله درخت تا کنون قطع شده‌اند و احتمالاً در آینده نیز این روند ادامه خواهد داشت.

حال باید امیدوار باشیم، دولت و سازمان حفاظت از محیط زیست در نظارت بر جنگل ابر بیش از این کوتاهی نکنند تا سرنوشت این جنگل به دریاچه ارومیه تبدیل نشود.

بیکاری و فقر، عامل گرایش جوانان به مواد مخدر است

به مالکیت جمع در آمد. همه کار کردند و زندگی خود را تامین نمودند. اما استثماریان بیکار نشستند و با تمام توان خود هم در سطح محلی و هم در مقیاس جهانی علیه این جوامع عدالتخواه جنگ تمام عیاری راه انداختند. این جنگ هم شکل حمله نظامی و هم شکل محاصره اقتصادی و همچنین شکل تبلیغات ایدئولوژیکی بخود گرفت. استثماریان در این جنگ به «پیروزی» دست یافتند. روسیه تکه - تکه شد. بقایای آن به یک کشور غیر صنعتی و نیمه بیکار و نیمه گرسنه مبدل شد. در این «تحولات» ضد انسانی توده مردم بعبارت دقیقتر توده های نا آگاه به گناه بزرگی مرتکب شدند. خود را با دست خود بجاه عمیقی انداختند که صد عاقل نمیتواند آنها را بیرون بکشد. بعبارت دیگر استثماریان قرنهای متمادی مردم را فریب میدهند و با نیروی کار آنها به ثروت بیکران دست یافته اند. آیت الله جوادی آملی در گفتگویی با یکی از فرماندهان استان قم می گوید: «همه کارها نزد خدا آسان است. بنابراین هر مشکلی که روبرو میشویم باید بدانیم ممکن است برای ما مشکل باشد. ولی پیش خداوند آسان است. درست است خداوند مشکل گشا است. اما گشودن این مشکل در دست خود انسان است». البته گشودن مشکلاتی در مقیاس کشور در دست حاکمان کشور است. یکی ثروت کلان دارد دیگری نان برای خوردن ندارد. این مشکل چطور باید حل شود. راه حلش خیلی آسان است. تشکیل حکومت مردمی. حکومتی که پشت سر ثروتمندان نایستد. و حافظ ثروت گروه کوچکی از جامعه نباشد. تامین زندگی خانواده در دست رئیس خانواده است. تامین زندگی خانواده بزرگ در دست حکومت است. حکومت باید قوانینی تدوین کند که بر مبنای آن همه مردم از ثروت ملی سهم خود را ببرند. در چنین شرایطی بیکاری از بین میرود و از این طریق گرسنگی نیز از میان برداشته میشود. غیر از این راه دیگری برای از بین بردن بیکاری وجود ندارد. اما حکومتهایی که پاسداری از منافع ثروتمندان را بر عهده دارند نمیگذارند عدالت در جامعه برقرار گردد و ثروت در میان ثروت آفرینان بشکل عادلانه تقسیم گردد. بنابراین مبارزه کار و سرمایه تا حل این تضاد ادامه خواهد یافت. تردیدی نیست که برنده در این مبارزه توده های مردم خواهد بود.

ایران سرمایه داری به دو قطب متضاد تقسیم شده است. ثروت در قطب کوچک و فقر در قطب بزرگتر تمرکز یافته است. در جوامعی که در آن استثمار انسان از انسان به عامل عمده تبدیل شده است، دست یافتن به ثروت کلان بدون استثمار اقلیت از اکثریت غیر ممکن است. در چنین جوامعی تامین رفاه برای همه امکان ندارد. زیرا که بیکاری اکثریت مردم را زیر شلاخ خود قرار میدهد و میلیونها انسان غیر شاغل به دربدری و گرسنگی گرفتار میشوند. جوانان بیکار برای اینکه فشار بیکاری را برای زمان کوتاهی هم شده از خود دور نمایند اغلب به ناهنجاری های اجتماعی از جمله به مواد مخدر روی می آورند. تا جاییکه وضعیت جوانان در جامعه شکل فاجعه باری بخود گرفته است. تصادفی نیست که علمای سرشناس دینی نیز درباره این فاجعه ابراز نگرانی می کنند. آیت الله جوادی آملی سبب اصلی گسترش مواد مخدر را فشار مالی و گسترش فقر ارزیابی میکند. ایشان میگویند که اعتیاد و مواد مخدر مشکلی است که همه ما از آن رنج میبریم. (اما به نظر ایشان گرفتاری مردم جهان به مواد مخدر بیش تر و بدتر از ایران است). به نظر ایشان اگر بازار کار رونق داشته باشد بسیاری به سمت مواد مخدر نمیروند. اظهارات آیت الله آملی تصریح واقعبیت است. اما راه برون رفت نیست. چرا در کشوری که ثروت زیرزمینی و نیروی کار انسانی به حد کافی وجود دارد چرا باید انسانها از بیکاری رنج ببرند و برای تسکین ناراحتی خود به مواد مخدر متوسل شوند. هیچ یک از امنای قوم راه حلی برای برون رفت از این مشکل اجتماعی نشان نمیدهند. آنها برای بیکاران موعظه میکنند و از آنها میخواهند تا صبر کنند و به بیراهه کشیده نشوند. این آقایان خوب میدانند که برقراری عدالت اجتماعی با وعظ و موعظه ممکن نیست. برقراری عدالت در شرایطی امکان پذیر است که مردم در تقسیم ثروت شریک باشند. در جامعه ای که آفرینندگان ثروت از مزایای زحمات خود محروم هستند. با حرف نمیتوان بی عدالتی را از میان برداشت و کار را برای همه تامین نمود. در قرن بیستم انقلابهای اجتماعی جوامع استثماری را به لرزه در آورد. در روسیه و چین حکومت مردمی سرکار آمد. ثروت از دست گروه های کوچک خارج گردید و

احزاب شناسنامه دار

ایران جامعه ایست طبقاتی. در این کشور مانند کشورهای دیگر طبقات و اقشار مختلف موجود هستند. هر طبقه منافع خاص خود را دارد. در کشورهای رشد یافته صنعتی دو طبقه یعنی سرمایه دار و طبقه کارگر هسته اصلی این جوامع را تشکیل می‌دهند. و منافع این دو طبقه در مقابل هم قرار دارد. بدین سبب تضاد میان کار و سرمایه، تضادی آشتی ناپذیر است. و فقط با حذف طبقه سرمایه داری این تضاد حل می‌شود. اما در این کشورها احزاب و گروه‌های سیاسی و سازمانهای صنفی با پایگاه‌های طبقاتی مشخصی وجود دارند و برای حفظ منافع طبقاتی خود مبارزه مینمایند. این فعالیت‌ها در تحکیم نظم و رعایت حقوق طبقات نقش تعیین کننده دارد. بدین سبب مبارزات طبقاتی در این کشورها در اکثر اوقات با درگیری سیاسی خشونت آمیز روبرو نمیشود. بعبارت دقیقتر قدرت دولتی از جانب احزاب اعمال میگردد.

ایران نیز جامعه ایست طبقاتی. در این کشور بعلت فقدان آزادی‌ها، احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی طبقه حاکمه، کشور را به شکل فعال مایشاء و بدون تکیه به قدرت احزاب اداره میکنند. ایران در قرن بیستم میدان انقلابها و کشمکشها بود. در این قرن نظام سیاسی کشور چندین بار تغییر یافت. آزادیهای سیاسی برقرار گردید. اما عمر این آزادیها کوتاه بود. احزاب سیاسی تنها در سالهای انقلاب مشروطیت و در سالهای حضور نظامی متفقین در ایران تشکیل شدند و بعد از سرکوب مشروطه خواهان و خروج نیرویهای خارجی از ایران، این احزاب هم از جانب حکومت وقت از صحنه سیاسی ترد شدند. و فعالین آنها دستگیر و روانه زندان‌ها گردیدند. حکومت جمهوری اسلامی در چنین شرایطی توسط مردم به قدرت رسید. اما این بار نیز خواسته‌های مردم بر آورده نشد. احزاب سرکوب گردیدند. فعالان آن دستگیر و زندانی شدند و بشکل دسته جمعی در برابر جوخه‌های اعدام قرار گرفتند.

انقلابهای عربی مستبدین را کنار زد. و آزادیهای نسبی در این کشورها برقرار گردید. مستبدین ایرانی نمی‌خواهند از این حوادث انقلابی درس عبرت بگیرند. اما در دستگاه حکومتی افرادی وجود دارند که به ضرورت تحزب فکر می‌کنند. محمد رضا باهنر یکی از این شخصیت‌های سیاسی منسوب به هیئت حاکمه است که تشکیل احزاب شناسنامه دار در صحنه سیاسی ایران را ضروری میدانند. او بعنوان نائب رئیس مجلس شورای اسلامی امیدوار است که جمهوری اسلامی ایران نیز مانند سایر کشورها دارای چند حزب شناسنامه دار شود تا این احزاب بتوانند در عرصه سیاسی کشور گامهای مهمی بردارند. او که دبیر کلی جامعه اسلامی مهندسین ایران را به عهده دارد، میخواهد این تشکیلات را به یک حزب فراگیر تبدیل نماید.

تشکیل احزاب در ایران میتواند آزادیهای دمکراتیک در ایران را پایه گذاری کند. و منافع طبقاتی جامعه را مورد حمایت قرار دهند. البته چنین احزابی در گذشته تشکیل شدند. اما تشکیل این احزاب فرمایشی بود. بدین سبب که جایگاهی در

میان مردم بدست نیاورندند. همه این احزاب با حذف نظام وقت از صحنه سیاسی خارج شدند. باهنر می‌گوید: تشکیل یک نظام حزبی شناسنامه دار با نظام ولایی مغایرت ندارد. او درست می‌گوید. حکومت مذهبی را انقلاب مردمی سرکار

آورد. و چنین حکومتی نمیتواند در مقابل احزاب قرار گیرد که حامی منافع مردم باشد. دین اسلام دین خودکامگان نیست. نو اندیشان دینی بارها به اثبات رسانده اند که آزادیهای دمکراتیک با نو اندیشه دینی مغایرت ندارد. در جوامع مذهبی ترکیب طبقاتی جامعه تغییر پیدا نمیکند. حکومت مذهبی نیز مانند حکومت‌های غیر مذهبی در رأس جامعه طبقاتی قرار دارد. سرمایه دار، کارگر را استثمار میکند. این استثمار در جوامع مذهبی ماهیت خود را عوض نمیکند. کارگر کار میکند. ارزش اضافی آن به جیب سرمایه دار ریخته میشود. حالا این سرمایه دار فرد مذهبی باشد و یا غیر مذهبی تفاوتی ندارد. در کشورهای غیر مذهبی احزاب ماهیت طبقاتی دارند و در کشورهای مذهبی نیز وضع بدین شکل است. طبقه کارگر برای تامین حقوق قانونی خود مبارزه میکند. این مبارزه در جامعه مذهبی و غیر مذهبی یکسان است. تشکیل احزاب پایه‌های ماهوی یک سانی دارند. نظام سیاسی نمیتواند ماهیت مبارزه طبقاتی را دگرگون کند. و احزاب را وادار نماید تا از مبارزه طبقاتی دست بکشند. در کشورهای استبداد زده احزاب حق فعالیت ندارند. زیرا در این کشورها آزادی وجود ندارد. وقتی آزادی وجود نداشته باشد تشکیل احزاب نیز در ظاهر امر «ضرورت» خود را از دست میدهد.

استبداد ماهیت یکسان دارد. خواه در جامعه دینی و خواه در جامعه غیر دینی. پنجاه و هفت سال پهلویها در ایران حکومت کردند. حکومت آنها حکومتی بود غیر دینی و حتی در سالهای حکومت رضا شاه روحانیون زیر فشار سیاسی قرار داشتند. اما استبداد همچنان موجود بود و مردم اجازه نداشتند در امور مملکت مداخله کنند و عملکرد دولت را مورد انتقاد قرار دهند. در حکومت دینی نیز استبداد حاکم است. مردم از حق بیان، حق تجمع، حق انتقاد از نارسائی‌ها محرومند. شاید افرادی مانند باهنرها به این درک رسیده باشند که آزادی احزاب برای جامعه ضروری است.

مردم ایران مردمی مبارز در راه آزادی و علیه استبداد هستند. آنها ماهیت استبداد را به خوبی درک میکنند. و بدین سبب تشنه آزادی هستند. اما نمی‌خواهند آزادی با ریختن خون‌ها برقرار شود. اگر حکومتگران بتوانند این واقعیت را درک کنند! و به خواسته‌های مردم تن در دهند. جامعه ایران میتواند به تدریج به یک جامعه دمکراتیک تبدیل شود. مردم مصر و تونس با راه انداختن انقلاب به این هدف رسیدند. حاکمان جمهوری اسلامی نیز باید از حوادث جاری در منطقه درس عبرت بگیرند و به خواسته‌های مسالمت آمیز مردم بدون خون ریزی عمل کنند.

کارگران از تامین نان شب و سیر کردن شکم

خانواده شان درمانده اند

شود. مضاعف بر آن بسیاری از کارخانه ها و شرکتها به بهانه های گوناگون یا نیروی کار خود را کاهش میدهند و یا اقدام به اخراج دستجمعی آنان می کنند.

در جوامع طبقاتی از جمله در ایران استثمار بی رحمانه کارگران شکل عادی دارد. ثروت آفرینان هم از لحاظ شخصیت و هم از لحاظ زندگی روزمره زیر فشار ثروتمندان قرار دارند. کارگر مجبور است برای تامین زندگی خود و خانواده خود در بازار کار حضور پیدا کند. کار فرما جوان ترین و نیرومند ترین آنان را به خدمت میگیرد و با دست مزد کم آنها را استثمار مینماید. از این طریق به ثروتمند ترین عنصر جامعه مبدل میشود. این بی عدالتی تا کی ادامه خواهد یافت. ثروت با دست پینه بسته کارگران آفریده میشود. کارگر و کار فرما هر دو فرزندان یک کشورند. چرا باید ده ها کارگر کار کنند تا گروه کوچکی ثروتمند شود. تاریخ قرن هاست شاهد این بی عدالتی است. اما برقراری عدالت تاکنون ممکن نشده است. و در جامعه طبقاتی هیچ وقت ممکن نخواهد شد. ثروت آفرینان (کارگران) خواه در شهر و خواه در روستا زمانی میتوانند به حق قانونی خود دست یابند که طبقه استثمارگر کنار زده شود. و حکومت مردم سرکار آید. در چنین شرایطی است که همه کار می کنند و از حاصل کار خود بهره مند می شوند. حکومتهایی که در خدمت صاحبان ثروت قرار گرفته اند به این راحتی امکان نخواهند داد تا چنین جامعه ای برقرار گردد. که همه بتوانند مانند یک شهروند برابر حقوق از مزایای زندگی بهره گیرند. کارگران ایران نیز مانند همه کارگران جهان استثمار میشوند و تا کنون و علیرغم همه مبارزات و جانفشانی هایی که به خرج داده است، نتوانسته به استثمار پایان دهند و جامعه ای عاری از ستم طبقاتی بوجود آورند. این فاجعه قرنها ادامه داشته و تا اکنون نیز ادامه دارد. این فاجعه ای است که انسان خود آنرا آفریده و خود باید به آن پایان دهد.

بحران اقتصادی سراسر ایران را فرا گرفته است. اخراج کارگران و بیکار شدن آنها به رویدادی متداول تبدیل شده است. روزی نیست که در گوشه و کنار کشور خبری از اخراج کارگران به گوش نرسد. اما فاجعه به همین جا ختم نمی شود. آنچه بیشتر تکان دهنده است. گرسنگی کارگران شاغل و ناتوانی آنها در سیر کردن شکم خود و اعضای خانواده اشان می باشد. زمانی قرار بود که عدالت زیور جامعه اسلامی شود. اما اکنون بصراحت و بدون چشم پوشی از گرسنگی کارگران و اقشار ضعیف جامعه سخن گفته میشود. امروز همه ما به شنیدن خبرهایی مبنی بر گرسنگی کارگران عادت کرده ایم. علت گرسنگی کارگران را میتوان با مقایسه دستمزد کارگران و قیمتهای سرسام آور مواد خوراکی بوضوح دید. به گفته کارشناسان حقوق ماهانه کارگران تنها جوابگوی هزینه ده روز اول زندگی آنان است. زیرا در تعیین حد اقل دستمزدها علیرغم اعتراضات گسترده کارگران، نرخ تورم در افزایش دستمزد ها در نظر گرفته نمیشود.

شورای عالی کار حد اقل دستمزد کارگران را برای سال جاری ۳۸۷۰۰۰ تومان تعیین کرده است. در حالی که خط فقر در شهرهای بزرگ و در خوشبین ترین حالت خود، ۸۲۰ هزار تومان در ماه می باشد. و این ملموس ترین عارضه بیماری اقتصاد کشور است که کارگران نتوانند نیاز اساسی خانواده های خود از جمله نان آنها را تهیه کنند. در کشوری که کارگران نتوانند با دریافت حقوق ماهانه حتی نان شب خانواده خود را تهیه کنند طبیعی است که وضعیت سلامت جسمی و روحی و بهداشت فردی و اجتماعی آنها شدیداً در خطر است.

مسئله مسکن حاد ترین مسئله ای است که خانواده های متوسط و اقشار فقیر با آن روبرو هستند. کوچک ترین تغییر در قیمت مسکن و اجاره بها آثار مخرب و جبران ناپذیری در زندگی زحمتکشانشان باقی میگذارد. مسئله لباس، آموزش و دارو و درمان نیز را باید به این سلسله مشکلات افزود. با این حال حقوق اغلب کارگران به موقع پرداخت نمی

نظری بر وضعیت انرژی در دنیای آینده

انرژی اساس زندگی بشر را در جهان امروزی و دهه های آینده تشکیل می دهد. انرژی عامل اصلی در تمام ابعاد زندگی بشر در کل جهان هستی می باشد. از بدو پیدایش بشر در جهان هستی انرژی تنها عامل اصلی زیست می باشد. از اوایل قرن نوزدهم با پیشرفت صنعت و تکنیک و توسعه تولیدات صنعتی تمرکز اهالی در شهرهای بزرگ صنعتی و مگاپولیس ها، احتیاج انسانها و صنایع به انرژی، بخصوص انرژی فسیلی بسرعت جان گرفته و جامعه بشری را برای دسترسی به این منابع تجهیز نموده است بطوریکه همه آحاد بشری امروزه با واژه انرژی به نحوی آشنائی دارند.

انرژی و تبدیل آن به انواع مختلف انرژی ها از بدو ایجاد جهان هستی و زیست انسان، حیوانات و گیاهان وجود داشته. از دوره تشکیل های جمعیت های انسانی جانداران بخصوص انسانها صحبت جهت بر آورد حاجات و نیازهای خود از قبیل حمل اثاثیه و بار و ساختن پناه گاه احتیاج مبرم به انرژی و صرف آن برای انجام کارهای مورد نظر خود داشته. بطوریکه برای نقل مکان خود از جایی به جایی این احتیاج از بديهيات بوده است و این انرژی بصورت نا ملموس اما خیلی علمی تأمین گردیده است. لازم به تکرار است طبق قوانین اولیه علوم پایه هیچ کاری (کار از لحاظ عملی) در جهان نمیتواند تحقق یابد مگر اینکه حداقل به همان اندازه (در راندمان صد درصد) انرژی مصرف شود. از اوایل دوره تشکیل جمعیت های بشری انسان اولیه وقتی سنگی را روی سنگی می گذاشته تا دیواری را بالا

طبیعی بیش از این مدت است) و این نظریه که یک نظریه نزدیک به یقین است مسئله بسیار مهمی را مطرح می کند که جای نفت را پس از پنجاه سال کدام ماده باید بگیرد. آمار منتشره نشان می دهد که روزانه حدود ۴۰ میلیون بشکه نفت در کره زمین مصرف می شود. این مقدار نفت در بخش های مختلف مصرف می شود که از لحاظ کمیت مصرف به ترتیب زیر می باشد:

۱- مصرف سوخت برای موتورهای مختلف (اموتورهای صنعتی خودروها).
 ۲- مصرف نیروگاه های برق برای تولید انرژی الکتریکی؛ آنچه مسلم است حد اکثر ۵۰ سال آینده، نفت به عنوان استخراج کلان در جهان وجود نخواهد داشت و یقیناً انرژی دیگری باید جایگزین این ماده انرژی را شود. کشورهای صنعتی و پیشرفته از سالیان قبل در این باره سرمایه گذاری های کلانی کرده اند. این سرمایه گذاری در بخش پژوهش و تحقیقات و بخش اجرای پروژه های عظیم بوده و نتیجه کار نشان می دهد که سرمایه گذاری ها و تحقیقات بهره خوبی هم داده است. تحقیقات های انجام شده نشانگر آن است که تمامی مصارف مربوط به انرژی آینده جهان باید از تبدیل انرژی های الکتریکی به انرژی های مختلف صورت گیرد و تولید انرژی الکتریکی از طرق مختلف مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. امروز در جهان بخصوص صحبت از نگرانی کمبود انرژی در جهان بخصوص در کشورهای صنعتی سر زبانها است ولی در این باره به جرئت می توان گفت این نگرانی فقط و فقط برای کشورهای غیر صنعتی و کشورهای جهان سوم است زیرا کشورهای صنعتی و پیشرفته همانگونه که در بالا اشاره شد از سالیان قبل در این فکر بوده اند و طرق تهیه انرژی را تحقیق و بررسی کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که عملی ترین روش تهیه انرژی الکتریکی، ایجاد نیروگاه های هسته ای است و برای ایجاد بهره برداری و تهیه سوخت مربوط به این نیروگاه ها، راه های مناسب تری را پیدا کرده اند و عملاً هم نشان داده اند و می بینیم در این رابطه و برای استثمار بیشتر کشورهای عقب مانده حتی به بهانه های واهی (استفاده از نیروی هسته ای برای جنگ) به آنها اجازه ساخت نیروگاه های اتمی را نمی دهند. بدین ترتیب کشورهای پیشرفته راه خود را برای تهیه و تأمین انرژی آینده خود انتخاب کرده اند و به دلالتی که خواهد آمد موقعیت آنها در این راه تقریباً تضمین شده است. کشوری که بتواند نیروی برق را به مقدار کافی تولید و توزیع کند میتواند جوابگوی کل مصارف نفتی امروزه باشد. یعنی هر سه مورد مصرف عمده نفت که قبلاً اشاره شد با تکنیک ساده و راحت می تواند از نیروی برق انرژی بگیرد. در حال حاضر به خاطر عدم آلودگی محیط زیست در اکثر کشوری که آلودگی هوا دارند تبدیل موتورهای خودرو ها و اتوبوسهای شهری و برون شهری از گازوئیل و بنزین به گازی و برقی عملی شده است. اما مسئله و مشکل اصلی در کشورهای غیر صنعتی و حتی کشورهای در حال رشد که در صنعت احتیاج به تکنولوژی خارجی دارند از آن جمله کشورمان ایران است. متأسفانه اگر این کشورها فکر اساسی درباره تأمین انرژی آینده خود نکنند در آینده نه چندان دور مواجه با آنچنان مشکل تأمین انرژی خواهند شد که کلیه مشکلات اجتماعی را تحت الشعاع قرار

ببرد، کار انجام می داده و برای این کار انرژی به انرژی مکانیک تبدیل میشده است و همین انرژی از سوخت مواد غذایی که انسان مصرف می کرد به دست می آمده و بدین ترتیب انرژی شیمیایی به حرارتی و حرارتی به مکانیک تبدیل می گردید.

با پیشرفت سریع تکنولوژی، پیدایش کارخانجات بزرگ، مجتمع های بزرگ صنعتی و ازدیاد بیش از حد جمعیت در جهان و در درجه اول در اروپا و آمریکا، تأمین انرژی و تبدیل انواع مختلف آن به یکدیگر اهمیت فوق العاده ای کسب کرده و امروز برای کشورهای با پتانسیل عظیم صنعتی از اهمیت حیاتی برخوردار است. امروز تأمین انرژی بخصوص کشورهای صنعتی را تشکیل می دهد. در اکثر موارد کشورهای با پتانسیل بزرگ صنعتی و سیستم های حکومتی امپریالیستی برای تأمین صنایع خود با انرژی به جنگ و جدال روی می آورند. ملت ایران از سیاست های دولت استعماری انگلیس در صد سال گذشته و حکومت امپریالیستی آمریکا از نیمه دوم قرن بیستم در مسئله نفت به بلایای زیادی دچار گردیده و سیستم های امپریالیستی این کشورها نفت کشور را تصاحب کرده و با خلق توطئه های فراوان هست و نیست کشور را غارت کرده و ملت را دچار ذلالت نموده اند. این سیاست امپریالیستی آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی امروز هم ادامه دارد. در یکسال گذشته بمنظور تصاحب منابع سرشار نفتی لیبی جنگ و جدال سر داده، کشور را تا حد نابودی کوبیدند، دولت قانونی لیبی و رهبری آن را نابود کرده منابع عظیم نفتی این کشور را بین کارتل ها و شرکت های عظیم نفتی فرانسه، آمریکا و انگلستان تقسیم نمودند. نتایج جنگ کشورهای عضو ناتو علیه لیبی کشتار ده ها هزار مردم کشور، نابودی صنایع مادر، راه ها و پل ها و نیروگاه های برق، بنادر و راه آهن ها می باشد.

کشورهای امپریالیستی آمریکا و اروپا منافع نفتی کشورهای عربی را تصاحب کرده و در این راه هرگونه توطئه را جایز شمردند. کار بجائی رسیده که یکی از ایدئولوگهای امپریالیسم آمریکا هنری کیسینجر در یکی از مصاحبه های خود با تلویزیونی در آمریکا اظهار نمود که آمریکا اگر می خواهد رهبری جهان را در آینده بعهده بگیرد باید منابع نفتی جهان را تصاحب نماید و برای این منظور چین و روسیه را از این منابع دور نگهدارد. بدین ترتیب این دیپلمات قسم خورده و یکی از خدمتگذاران صادق امپریالیسم آمریکا برای تصاحب منابع نفتی جهان جنگ را نیز جایز می داند.

در دنیای امروز وقتی صحبت از انرژی می شود تنها ماده ای که بلافاصله در اذهان عمومی برای انرژی معنا پیدا می کند نفت و مشتقات آن است و برای کسانی که بیشتر در مسائل سیاسی و اقتصادی انرژی هستند حتی موقعیت جغرافیایی آن قسمت از کره زمین که مختص به تأمین نفت است با واژه انرژی تداعی می گردد و آن منطقه، منطقه استراتژیک خاور میانه است. در این مورد باید به چند سؤال جواب داد. آیا نفت تنها ماده انرژی زاست که اینقدر روی این ماده تکیه شود. آیا این ماده جاودانه است؟ مسلماً جواب در هر دو مورد منفی می باشد. دانشمندان علم نفت و مواد نفتی، عمر ذخائر نفت خام در طبیعت را کمتر از ۵۰ سال تخمین زده اند (عمر ذخایر گاز

نظری بر وضعیت.....

خواهد داد و جزو این کشورها، کلیه کشورهای نفت خیز فعلی خاورمیانه است.

با توجه به مطالبی که بیان شد معلوم می گردد تأمین انرژی آینده جهان یقیناً از طریق تأمین انرژی الکتریکی، آن هم توسط نیروگاه های هسته ای امکان پذیر است. باید گفته شود که در بعضی کشورهای پیشرفته جهان برای تولید برق جهت تأمین انرژی آینده روش های مختلفی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است از آن جمله نیروگاه های آفتابی، بادی، استفاده از نیروی جزر و مد اقیانوسها و دریاها، ولی همه آنها برای تولید نیروی برق در واحد کوچکی قابل بهره برداری هستند. در مورد نیروگاه های اتمی از مراحل طراحی ساخت و تهیه سوخت مورد نیاز و بهره برداری، مسائل و مشکلاتی هست که ذیلاً بدانها اشاره می گردد.

I- **محاسن نیروگاه های اتمی (۱)**- تولید نیرو در مقیاس خیلی وسیع، عمده ترین حسن نیروگاه های هسته ای تولید زیاد برق توسط آن است، (۲)- تهیه سوخت غیر نفتی که تا صدها سال آینده میتوان به وجود آن اطمینان کامل داشت.

II - **معایب نیروگاه های اتمی (۱)**- خطر شدید جانی از ناحیه تشعشعات رادیو آکتیو نیروگاه ها خصوصاً از زمان انفجار احتمالی (برای مثال انفجار نیروگاه چرنوبیل شوروی سابق و نیروگاه بزرگ ژاپن پس از زلزله و سونامی) و دفع زباله های حاصله، این خطر در صورت اعمال کلیه موازین و احتیاطات فنی و بین المللی قابل کاهش تا حد مینیوم آن می باشد. (۲)- مشکل تهیه سوخت آن (برای کشورهای غیر صنعتی در چند سال گذشته کشورمان ایران نیز با این مشکل روبرو بود). (۳)- بالا بودن هزینه های سرمایه گذاری، (۴)- بالا بودن هزینه های بهره داری (در کشورمان ما این مشکل را داشتیم). با توجه محاسن و معایب نیروگاه های اتمی که تقریباً تنها عامل تأمین انرژی آینده جهان است. در مورد تأمین انرژی آینده جهان باید گفت که تأمین انرژی برای کشورهای صنعتی و با پتانسیل مالی خوب چندان دشوار نیست ولی برای کشورهای غیر صنعتی و جهان سوم بسیار مشکل و مسئله استعمار و استثمار در آینده تأمین انرژی خیلی بیشتر از استثمار امروزی خواهد بود و وابستگی و عدم استقلال کامل دائمی در حد بسیار نگران کننده ای در انتظار این کشورها است. برای تأمین انرژی در کشور ارائه چند پیشنهاد را ضروری می دانیم.

۱- تأمین انرژی آینده ایران توأم با تأمین آب کشاورزی و رونق کشاورزی و در نتیجه رونق اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران است. بر طبق آمارهای موجود از محل آبهای جاری مملکت نزدیک 30 درصد آن به مصارف مختلف رسیده و ۷۰ درصد آن بدون کوچکترین استفاده از دسترس خارج می گردد. در حالیکه میلیونها هکتار از زمین های کشاورزی قابل کشت ما به خاطر بی آبی لم یزرع باقی مانده است با این حال سالی نیست که خبر وحشت انگیز خسارت جانی و مالی حاصل از سیلابها را در اقصی نقاط کشور نشنومیم. پس بدون در نظر گرفتن مسئله تأمین انرژی آینده برای هر ایرانی که به فکر آینده کشورش می باشد لازم است روی مهار آبها توجه کامل داشته باشد. لازم به تذکر است که

بحث ما بحث مهار آبها به معنی مسائل تأمین آب به تنهایی نیست بلکه با مهار آبها می توانیم نیروگاه های عظیم آبی را در جوار آن ایجاد نماییم. لازم به تذکر است اغلب از طرف دست اندرکاران مسائل برق کشور اظهار نظر می گردد که نیروگاه های آبی توان تولید نیروی بیشتری را ندارند. با عدم پویایی مسائل فنی فعلی میتوان موافق این نظر بود. برای مثال سد کرج (سد امیرکبیر) با آن عظمت تنها قادر به تولید ۹۰ مگاوات نیرو است آن هم نه در تمام ۲۴ ساعت شبانه روزی مسئله در این است که آیا با تکنولوژی پیشرفته می توان تولید را به چند برابر رساند؟ جواب سؤال کاملاً مثبت می باشد. برای مثال سد جدیدی که بر روی رودخانه کارون ایجاد می شود ۲۰۰۰ مگاوات برق تولید خواهد کرد یعنی معادل بزرگترین نیروگاه حرارتی ایران (نیروگاه شهید رجایی قزوین) از طرفی موقعیت جغرافیایی ایران با داشتن رودخانه های دائمی و نقاط کوهستانی این امکان را می دهد که با ایجاد سدهای مختلف مهار آبها، برق آینده کشور را تأمین نمود.

در این راه می توان در مسیر یک رودخانه در موقعیت های مکانی مختلف سدهای متعددی ساخت (جهت تأمین برق) این روش را کشورهای اسکاندیناوی در حال حاضر برای تولید درصد زیادی از برق مصرف داخلی خود امتحان کرده و موفق هم بوده اند. در این کشورها به علت موقعیت مناسب که برای ایجاد سد دارند. نقاطی را که اختلاف سطح مناسبی برای بالا بردن انرژی پتانسیل مهیا خواهد کرد انتخاب و سد متناسب با آن محل را ساخته اند و این موقعیت در کشور ما نیز وجود دارد. برای نمونه سرشاخه ها و مسیر طولانی رودخانه های سفید رود، کارون، زاینده رود. نا گفته نماند ساخت نیروگاه های آبی، مستلزم سرمایه گذاری اولیه نسبتاً زیادی است ولی تولید نیرو از آن با کمترین هزینه بهره برداری (به علت لازم نبودن سوخت) امکان پذیر است.

نتیجتاً باید گفته شود: ۱- برخلاف هیاهوی زیادی که کشورهای صنعتی برای تأمین انرژی آینده به راه انداخته اند، تأمین انرژی برای آنها در آینده کاملاً سهل و برای کشورهای غیر صنعتی کاملاً دشوار خواهد بود.

۲- تأمین انرژی آینده ایران با موقعیت جغرافیای بسیار مطلوب برای ایجاد سدهای آبی و یاری جستن از تکنولوژی پیشرفته کاملاً امکانپذیر است

۳ همزمان با ایجاد نیروگاه های آبی از انتقال تکنولوژی ساخت و تولید نیرو توسط نیروگاه های اتمی نیز نباید غافل ماند. زیرا تولید نیروی برق (انرژی آینده) بطور یک بعدی نیز مشکلات دیگری خواهد داشت

پروفسور دکتر بهروز شکوری

تاریخ امید

منی گوینه دیر

یوردوم ایچون یووام ایچون امید گویریر،
 درمه دبیم گوللر هانی، اوزونیر الیم.
 آغریلاریم، آجیلاریم منی گوینه دیر،
 قلمیمن دامجی - دامجی دامیر اوره بیم.

انسان نوزو، تورپاق نوزو، آغاجدا، داشدا،
 باهار دئییب ایسته بیبیدیر قالیدیر قیزدا.
 قان توکولوب، اود گویریپ مرمی یاغیشدان،
 چادرا آلتدا قالان خلقیم منی گوینه دیر،
 قلمیمن دامجی - دامجی دامیر اوره بیم.

وقت اولوب که، دینمه میشم سوسوب قالمیشام،
 حق یولوندا نولنری یادا سالمیشام.

من آزادلیق ایسته یمده ولکان اولموشام،
 دوغولمایان انقلابیم منی گوینه دیر،
 قلمیمن دامجی - دامجی دامیر اوره بیم.

آجیلمایان آرزولار وار ق.نچه دی، داشدی،
 آنالار وار، باجیلار وار گوزلری یاشلی.
 میسرالاریم آراز کیمی سریمی آشدی،
 یازیلدیقا شعرلریم منی گوینه دیر،
 قلمیمن دامجی - دامجی دامیر اوره بیم.

کندلر وار کی، کوچه لری سس - کویسوز قالان،
 اوغوللاری، ایگیلری هر گون آزالان.
 آغیر - آغیر گونلرینی هی یولا سالان،
 بو اوبالار، بو اویکقلار منی گوینه دیر،
 قلمیمن دامجی - دامجی دامیر اوره بیم.

گونی بویو جنگر اولا دیوشم منده،
 بو آزادلیق عشقیم ایله قالمارام گنده،
 آلولارین ایچیندجه انله بو گونده،
 یانماماغیم، نولمه مییم منی گوینه دیر،
 قلمیمن دامجی - دامجی دامیر اوره بیم.

کمک مالی به فرقه دمکرات آذربایجان یک وظیفه انقلابی است!

حساب بانکی ما:

Iranli Mohacirlar Camiyyati
 Azerbaijan Republic
 Kapital Bank, Branch: Yasamal 1
 SWIFT: IIAZ2X
 USD Accont: 33180018403302338103
 Corr.Accont: 36089289
 Citibank N.A./New York, USA
 SWIFT: CITIUS33
 EUR Accont: 33180019783302338103
 Corr. Accont: 11347403
 Citibank N.A./London
 SWIFT: CITIGB2L

Azərbaycan qəzeti
 5- ci dövr 92 - ci nömrə. İyun 2012
 Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
 www.adf - mk. az

باش رداکتور: امیر علی لاهرودی
 قرئت تحریریه هئیتی طرفیندن نشر اولونور
 قرنتین آرتیریپ، یاییمی آزاددیر
 E- mail info @ adf - mk az